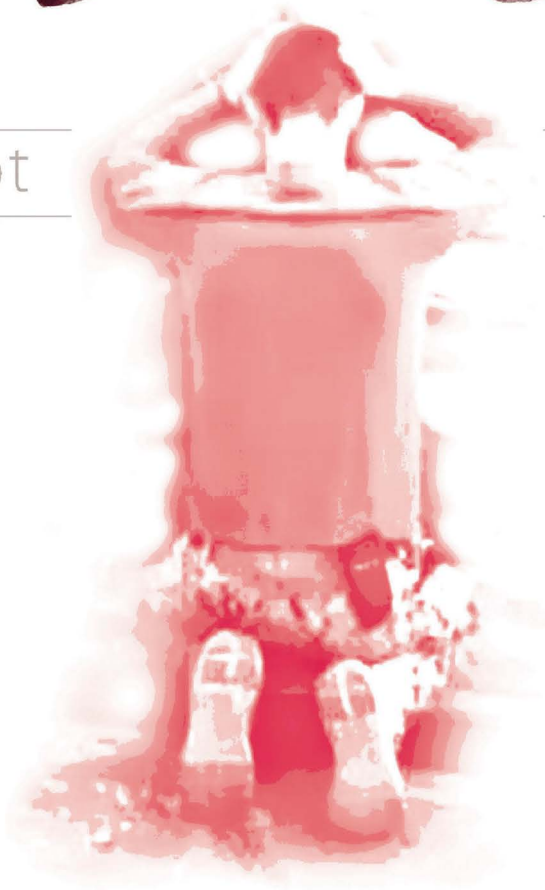


آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

America Cannot

Do a Damn Thing!



مرکز پژوهش‌های اسلامی
موسسه تحقیقاتی و فرهنگی

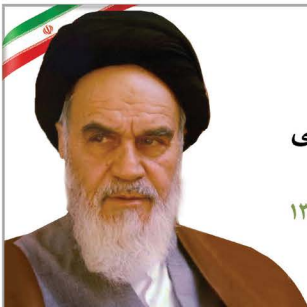


مجلس شورای اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ

إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا
وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً
إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
« آیه ۱۲۰ سوره آل عمران »

آمریکای غلطی نمی‌تواند نکند



الآن مرکز فساد آمریکا را جوانها رفته اند گرفته اند، و آمریکایی هایی هم که در آنجا بوده گرفتند، و آن لانه فساد را به دست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند، و جوانها هم مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

حضرت امام خمینی (ره) ۱۶- آبان ۱۳۵۸

مجموعه اقدامات جنایتکارانه
ایالات متحده آمریکا علیه
جمهوری اسلامی ایران

تهاجم نظامی

تهاجم سیاسی

تهاجم اقتصادی

تهاجم فرهنگی



مقدمه
چرا مرگ بر دولت آمریکا
حمایت‌های آمریکا از حکومت دیکتاتور پهلوی
نظام سلطه و استکبار

- تهاج امنیتی

دخالت مستقیم
تجزیه ایران
لانه جاسوسی
کودتای نوژه
حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب
ستون پنجم
ترور
بمب‌گذاری
گروگان‌گیری
فتنه و نفوذ
شورش و اغتشاش
حمایت از گروه تروریستی جندالله
جنگ اینترنتی
حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای
دستاوردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

- تهاج نظامی

عملیات پنجه عقاب
تحریرک صدام برای حمله به ایران
حمایت‌های همه‌جانبه از صدام
ارسال تجهیزات شیمیایی به صدام
عملیات استانج
جمعه خونین
حمله به کشتی ایران اجر
حمله به قایق‌های گشتی سپاه
حمله به سکوها نفتی ایران
انهدام هواپیمای مسافربری
عملیات فروغ جاویدان
تجاوز به حریم هوایی ایران
تهدیدات نظامی
دستاوردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران

- تهاج سیاسی

کودتا
مهار ایران
حادثه میکونوس
مهار دو جانبه
فروپاشی به سبک شوروی
تغییر حکومت
تحریم‌های همه‌جانبه
تعامل راهبردی
ایران هراسی
تروریسم
حقوق بشر
انرژی هسته‌ای
صلح‌خاورمیانه
خاورمیانه جدید
دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

- تهاج اقتصادی

تحریم‌های اولیه
قانون داماتو
تحریم‌های مالی و بانکی
تحریم‌های صنایع نفت و گاز
تحریم‌های صنایع پتروشیمی
تحریم‌های طلا و فلزات گران‌بها
تحریم دارو و مواد غذایی
تحریم‌های هواپیمایی
تحریم‌های کشتیرانی
تحریم‌های خودروسازی
تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی
تحریم صدوسیما
تحریم‌های اجتماعی
تحریم‌های بیشتر
دستاوردهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

- تهاج فرهنگی

فراماسونری
ترویج سکولاریسم
تهاجم فرهنگی
جنگ روانی
جنگ نرم
جنگ فرقه‌ای
جنگ رسانه‌ای
هجوم شبکه‌های ماهواره‌ای
جنگ مجازی
ناتوی فرهنگی
دیپلماسی عمومی
پروپاگاندا
طراحان و مجریان جنگ نرم
دستاوردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
چرا آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

آمریکای غلط نمی‌تواند زنده بماند



در این آیه‌ی شریفه - مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ - این عهدی که می‌گوید مؤمنین با خدا بسته‌اند و بعضی از مؤمنین به این عهد به نیکی وفا کردند و پای این عهدشان ثابت قدم ماندند، همان است که چند آیه قبل در همین سوره‌ی مبارکه می‌فرماید که «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُؤْتُوا دَابَّةَ الْوَعْدِ»؛ همه‌ی ما به این نکات باید توجه کنیم. با خدای متعال عهد کرده بودند که از مقابل دشمن فرار نکنند، به دشمن پشت نکنند. رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منزه‌مانه در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تأکید می‌کند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زور آزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم دشمن بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و میشود و این ممکن است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۹۲/۰۸/۲۹



چرا مرگ بر دولت آمریکا؟

«جان اسوزا» خبرنگار آمریکایی که به تازگی به ایران سفر کرده است، طی گزارشی، دلایل اصلی تنفر ملت ایران نسبت به دولت آمریکا را یاد کرده و می‌نویسد: برای برخی از آمریکایی‌ها سخت است درک اینکه چرا دولت اوپاما تا این اندازه مصمم است با ایران، بر سر قابلیت هسته‌ای‌اش به توافق برسد. با توجه به اینکه ایرانی‌ها در راهپیمایی عظیم خود دائماً شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهند. من می‌دانم که این شعار مرا ناراحت می‌کند، چون جزئی از آمریکا بوده و به شدت مخالف مرگ خود هستم، اما اگر از تاریخچه واقعی‌مان با ایران آگاه شوید، متوجه خواهید شد خاستگاه و منشأ این نفرت و انزجار از کجاست. آن‌ها دلایل قابل‌فهمی برای عصبانیت از ما دارند (کارهایی که اگر به‌عنوان مثال، نروژ یا ما کرده بود، باعث می‌شد به خیابان‌ها آمده و شعار مرگ بر نروژ سر دهیم). اگر ما هم جای مردم ایران بودیم شعار مرگ بر آمریکا می‌دادیم. متأسفانه، نه تنها آمریکا و متحدانش اقدامات وحشتناکی علیه ایران انجام داده‌اند، بلکه حتی به اندازه کافی مبادی‌آداب و با نزاکت نیستیم که آن‌ها را به یاد بیاوریم. برخی از این اقدامات ما (غرب) علیه ایران عبارت است از:

۱. قرارداد رویترز
بنیان‌گذار رویترز، ایران را در سال ۱۸۷۲ خرید. ناصرالدین شاه، شاه ایران از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶، حق اجرای تمام کانال‌ها و خطوط راه‌آهن ایران، بیشتر معادن، تمام جنگل‌های دولت و

تمام صنایع آینده را به پل رویترز فروخت. به گفته دولت‌مرد مشهور انگلیس، لرد کرزن، «این کامل‌ترین و فوق‌العاده‌ترین تسلیم تمام منابع صنعتی قلمرویی پادشاهی به دستان خارجی است که حتی به خواب هم نمی‌توان دید». مردمان ایران به قدری خشمگین شدند که سال بعد، شاه مجبور به لغو قرارداد فروش شد.

۲. کودتا علیه دولت مصدق
اگر اقدام رویترز برای دامن‌زدن به کینه ایرانی‌ها علیه رسانه‌های غربی کافی نبود، بی‌بی‌سی با دادن کد مخفی برای کمک به کرمیت روزولت، این کینه را تکمیل کرد و زمینه را برای کودتای آمریکایی و انگلیسی علیه مصدق فراهم ساخت (همچنین به دستور دولت انگلیس به شبکه بی‌بی‌سی فارسی برای انتشار تبلیغات طرفدار کودتا کمک می‌شد). به سرعت آمریکا پلیس مخفی رژیم را آموزش داد تا چگونه ایرانی‌ها را با روش‌هایی مورد بازجویی قرار دهند که به گفته تحلیل‌گر سازمان سیا «بر اساس فن‌های شکنجه آلمانی از جنگ جهانی دوم بود».

۳. برنامه‌های گسترده برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای
ما (دولت آمریکا) برنامه‌های گسترده‌ای برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای در ایران داشتیم. در سال ۱۹۸۰، ارتش آمریکا از این می‌ترسید که اتحاد جماهیر شوروی از انقلاب ایران



آمریکای وحشی غلط نیست، این است

یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی‌ای که در نقشه‌ی دنیا انسان احساس می‌کند، **افول و جهمی آمریکا است**. آمریکا به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا، چندین دهه با وجهه زندگی کرد؛ که همین وجهه موجب شد نفوذ پیدا کند. در دهه‌های اول نیمه‌ی دوم قرن بیستم، این وجهه در اوج بود. در ایران خود ما همین جور بود؛ دولت ملی‌ای مثل دولت مصدق که از زیر بار انگلیس می‌گریخت، به دامن آمریکا پناه می‌برد؛ این وجهه بود. در همه‌ی دنیا یک چنین حالتی بود. امروز این وجهه به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است. دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملت‌ی، یک وجهه عمومی ندارد. **«مرگ بر آمریکا»** دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۱/۰۵/۲۲



تهاجم فرهنگی

تهاجم اقتصادی

تهاجم سیاسی

تهاجم نظامی

مجموعه اقدامات جنایتکارانه تهاجم امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



به نفع خود و برای حمله به ایران استفاده کرده و تنگه هرمز در خلیج فارس را تصرف کند، بنابراین، پنتاگون برنامه و طرح جدیدی داشت: «اگر شوروی شروع به جمع‌آوری نیروی نظامی کند، ما از سلاح‌های هسته‌ای کوچک برای تخریب گذرگاه‌هایی کوهستانی در شمال ایران استفاده می‌کنیم که شوروی برای انتقال نیروهای نظامی به آن‌ها نیاز خواهد داشت».

۴. حمایت از صدام حسین

ما با این مسئله مشکلی نداشتیم که عربستان سعودی پنج میلیارد دلار برای ساخت سلاح هسته‌ای در طول جنگ ایران و عراق به صدام کمک کند. احتمالاً می‌دانید که بعد از حمله صدام حسین به ایران در سال ۱۹۸۰، عراق با کمک ما اقدام به ساخت تسلیحات بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای کرد و واقعا از تسلیحات شیمیایی روی سربازان ایرانی استفاده کرد. احتمالاً نمی‌دانید که عربستان سعودی میلیاردها دلار برای اجرای برنامه هسته‌ای صدام به وی کمک کرد و دولت ریگان از همه این اتفاقات مطلع بود و اهمیتی نمی‌داد.

برای درک عمق این فاجعه برای ایرانی‌ها، به یاد داشته باشید که حداقل ۰.۷۸ درصد از کل جمعیت ایران در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق کشته شدند، سرانه معادل ۲.۴ میلیون آمریکایی. در مقام مقایسه، ما هنوز هم پس از گذشت ۷۰ سال، در مورد جنگ جهانی دوم که در آن ۴۰۰ هزار آمریکایی یعنی ۰.۳ درصد از جمعیت، جان خود را از دست دادند، صحبت می‌کنیم.

۵. تهدید به نابودی ایران

فقط جان مک‌کین نبود که آواز «بمب، بمب، بمب، بمب، بمب، بمب، بمب» را می‌داد، دریا سالار، ویلیام فالون که به عنوان رئیس مرکز فرماندهی مرکزی آمریکا در سال ۲۰۰۸ بازنشسته شد، در مورد ایران گفت: «این‌ها مورچه هستند، وقتی زمانش فرا رسد، آن‌ها را باید له کنید». دریا سالار، جیمز لیون جونیور، فرمانده ناوگان دریایی آمریکا در اقیانوس آرام در طول دهه ۱۹۸۰ نیز گفته بود: «ما آماده‌ایم آن‌ها را به قرن چهارم بازگردانیم».

ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر دفاع وقت، توضیح داد: «به این مسئله می‌اندیشیم که آیا ایران را به طور کامل نابود کنیم؟». شلدون آدلسون، میلیاردر و مؤسس حزب جمهوری خواه، از حمله هسته‌ای بی‌دلیل به ایران ابتدا در وسط صحرا و سپس به سمت مناطق پرجمعیت حمایت کرد. اداره بازنگری سیاست‌های هسته‌ای آمریکا در سال ۲۰۱۰ توسط دولت اوباما اعلام کرد که «ما از سلاح‌های هسته‌ای علیه دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای که متعهد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند و تعهداتشان مبنی بر عدم گسترش سلاح هسته‌ای را رعایت می‌کنند، استفاده نخواهیم کرد، اما تنها یک کشور غیرهسته‌ای وجود دارد که احتمالاً در این گروه جای نمی‌گیرد، بنابراین، وقتی می‌گفتم: هرگز از سلاح‌های هسته‌ای علیه هر کشوری که در حال حاضر آن‌ها را در اختیار ندارد استفاده نمی‌کنیم البته به استثنای ایران؛ طبیعتاً، ایران از اینکه هدف هسته‌ای باشد بسیار ناراحت است».



۶. حمله به هواپیمای مسافربری ایران

ما هواپیمای غیرنظامی ایران را سرنگون کردیم و ۲۹۰ نفر از جمله ۶۶ کودک را کشتیم. در این حمله، ناو آمریکایی وینسنس که در حال گشت‌زنی در خلیج فارس بود، پرواز شماره ۶۵۵ ایران‌ایرا در آسمان منفجر کرد. وقتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۳ به اشتباه هواپیمایی غیرنظامی از کره جنوبی را در حریم هوایی خود منفجر کرد، روزنامه نیویورک‌تایمز در سرمقاله خود در مورد «قتل در آسمان» نوشت و همچنین اعلام کرد: «هیچ بهانه قابل قبولی برای کشوری که هواپیمایی بی‌ضررا منفجر کند وجود ندارد».

بعد از حمله موشکی ناو وینسنس، در یکی از سرمقاله‌های تایمز اعلام شد: «آنچه برای پرواز شماره ۶۵۵ رخ داد، سوالات سخت و محکمی برای ایران مطرح می‌کند». درست است، برای ایران! دو سال بعد ارتش آمریکا به فرمانده وینسنس نشان دلیری و شجاعت اعطا کرد.

۷. مانع تراشی بر سر موضوع هسته‌ای ایران

شعارهای ما در مورد ایران مزخرف به نظر می‌رسد: آیا رهبران آمریکا واقعا باور دارند ایران برای اولین بار در حمله هسته‌ای به اسرائیل یا آمریکا شرکت خواهد کرد، با توجه به اینکه این کار باعث اقدامی تلافی‌جویانه و سریع از قدرت‌های هسته‌ای مسلح، می‌شود؟ حتی کارشناسان سیاست خارجی و محافظه‌کار آمریکا می‌دانند که این باور، بعید و غیرمحتمل است. آن‌ها نگران این نیستند که ما نمی‌توانیم مانع ایران مسلح به سلاح

هسته‌ای شویم، آن‌ها نگران این هستند که ایران مجهز به سلاح هسته‌ای بتواند مانع ما شود.

همان‌طور که توماس دانلی، تحلیل‌گر ارشد مسئله ایران در اندیشکده اینترپرایز آمریکا در سال ۲۰۰۴ عنوان کرد: «چشم‌انداز ایران هسته‌ای، یک کاپوس است... به دلیل تأثیر محدودکننده‌اش برای استراتژی آمریکا در رابطه با خاورمیانه... مطمئن‌ترین عامل بازدارنده برای اقدام آمریکا، زرادخانه هسته‌ای فعال است». این دیدگاه که ما نباید اجازه دهیم کشورهای دیگر ما را از برپایی جنگ بازدارند، باور اساسی دولت آمریکا است و در واقع دلیل اصلی حمله به عراق عنوان شده است. [۱]

البته اقدامات ایالات متحده به هفت موردی که «جان اسوارز» آن را بیان نموده محدود نمی‌شود. آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی تهاجم همه‌جانبه‌ای را در حوزه‌های امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه ملت ایران به راه انداخته که در طول تاریخ کم‌نظیر بوده است، این تهاجمات همواره با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران و مهار قدرت نرم ایران در جهان صورت گرفته است. به همین دلیل ما در این مجموعه سعی کرده‌ایم بخشی از جنایات‌های نظام سلطه که در نیم‌قرن اخیر علیه ملت ایران به‌کار برده شده را با توجه به اسناد و مدارک قطعی به‌اختصار بیان کنیم.

۱. خبرگزاری مشرق، www.mashregnews.ir، ۹ تیر ۱۳۹۴، کد خبر: ۴۳۵۶۷۸

مرگ بر آمریکا

این را بدانید که این شعار شما، «مرگ بر آمریکا»ی شما، این فریادی که ملت ایران می‌کشند، این دارای یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و قوی است؛ دارای پشتوانه‌ی عقلانی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملت آمریکا نیست، ملت آمریکا هم مثل بقیه‌ی ملت‌ها [هستند]، یعنی مرگ بر سیاست‌های آمریکا، مرگ بر استکبار؛ معنایش این است، این دارای پشتوانه‌ی عقلانی است؛ قانون اساسی ما به این ناطق است، تفکرات اصولی و عمیق و منطقی بر این ناطق است و این را برای هر ملتی که تشریح بکنیم، آن را می‌پسندند و می‌پذیرند و قبول می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۴/۰۸/۱



تهاجم فرهنگی

تهاجم اقتصادی

تهاجم سیاسی

تهاجم نظامی

مجموعه اقدامات جنایتکارانه تهاجم امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



حمایت‌های آمریکا از حکومت دیکتاتور پهلوی

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مهم‌ترین ارکان قدرت ایران، از شاه و نخست‌وزیر گرفته تا مسئولین مهم دربار، توسط سیاستمداران دولت آمریکا انتخاب می‌شدند. این اختیارات به‌گونه‌ای بود که آن‌ها هر نفر را که نمی‌خواستند عزل می‌کردند و هر نفر را که می‌خواستند به سمتی می‌گماردند، آن‌ها هیچ حق انتخابی را برای مردم ایران قائل نبودند، مردم ایران را وحشی و غیرمتمدن می‌خواندند، به‌ازای کار در ایران از حکومت پهلوی حق توحش می‌گرفتند و با وضع قانون کاپیتالاسیون برای نیروهای خود مصونیت قضایی ایجاد کرده بودند.

مستشاران آمریکایی بر قراردادهای ایران نظارت داشتند و اجازه دخالت دولت را در قراردادهای مهم نمی‌دادند، آن‌ها نفت را از ایران خارج و به‌ازای آن تسلیحات نظامی به کشور وارد می‌کردند و برای تعمیر و نگهداری این تسلیحات از رژیم شاه باج می‌گرفتند. آن‌ها منابع و ذخایر ایران را غارت و اقتصاد کشور را بر مبنای نظام سرمایه‌داری و با توجه به منافع ایالت‌متحد آمریکا مدیریت می‌کردند. آن‌ها در واقع از شاه به‌عنوان مترسکی برای تسلط بر ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه استفاده می‌کردند.

درباره نقش ایالات‌متحد آمریکا در انتصاب شاه و حمایت و هدایت حکومت دیکتاتور پهلوی، «فردریک اچ‌کارو» در کتاب خود با عنوان علیه تروریست چنین توضیح می‌دهد:

آمریکایی‌ها غلط نیست‌اند

رضاخان را انگلیسی‌ها سرکار آوردند، محمدرضا را هم انگلیسی‌ها تثبیت کردند. بعد از دوره حکومت دکتر مصدق، کودتا را آمریکاییها به راه انداختند و البته از دست انگلیسی‌ها ربودند و آنها خودشان تسلط پیدا کردند. اینها در اغلب امور این کشور، وابسته بودند. مستشاران آمریکایی و دهها هزار آمریکایی دیگر در مهمترین مراکز نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی این کشور شغل‌های حساس و درآمدهای گزاف داشتند و آنها در حقیقت کارها را انجام می‌دادند و به آنها خط می‌دادند. دستگاه اطلاعاتی این کشور را آمریکاییها و اسرائیلیها به‌وجود آوردند. در سیاستها، تابع نظرات انگلیسیها و در این اواخر، تابع نظرات آمریکاییها بودند. در زمینه منطقه‌ای و جهانی، حتی در زمینه‌های اقتصادی مثلاً قیمت نفت جقدر باشد، فروش نفت چگونه باشد، وضع شرکتهای خارجی در نفت ایران به چه کیفیت باشد در همه این مسائل مهم و حساس، آن چیزی کاری را انجام می‌دادند که از آنها خواسته شده بود!

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی ۱۳۷۷/۱۱/۱۳



مجموعه اقدامات جنایتکارانه تهاجم امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

تهاجم نظامی

تهاجم سیاسی

تهاجم اقتصادی

تهاجم فرهنگی



رژیم وقت بود. شاه با ایجاد آژانس اطلاعات نظامی در مسیر دیکتاتورهای فراوان دیگر گام برمی داشت. سرکوبگری رژیم به ویژه در فاصله سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ وحشیانه بود. شاه، سیاست پلیسی مبتنی بر سرکوب اتخاذ کرده بود و هر درخواست اصلاح طلبانه ای را بی پاسخ نمی گذاشت! مطبوعات از تیغ سانسور رژیم در امان نبودند، مردم بی دلیل دستگیر و آزار و اذیت می شدند و زندانیان نیز به طور سامان مند شکنجه می شدند. تبعیض در جامعه ایران موج می زد و همین فرق قائل شدن ها بین دوستانان و منتقدان رژیم بود که عزم نیروهای مخالف را برای مقابله با شاه و سرکوبگری های عوامل او جزم کرد تا جایی که بیش از ده هزار نفر در راه تحقق آرمان هایشان جان باختند.

روحانیان شیعه اهداف مطلوبی برای عاملان رژیم بودند. بسیاری دستگیر و زندانی شده و برخی نیز به جوخه اعدام سپرده شدند. مراکز چاپ و تکثیر کتاب و نشریات مذهبی تعطیل شدند، مساجد، مورد نفوذ ایدای رژیم قرار گرفتند و گروه های طلاب مذهبی، ازهم گسیخته شدند. کل تشکیلات مذهبی که از عملکرد رژیم به تنگ آمده بود، پشتیبانی خویش را نثار آیت الله خمینی کردند.

رشد درآمدهای کلان حاصل از فروش نفت خام باعث شد تا ایران در میان کشورهای جهان سومی تبدیل به کشوری ثروتمند شود. از سال ۱۹۷۶ آمریکا همه کمک های اقتصادی و



نظامی خود را به ایران قطع کرد و همه مخرج تشکیلات نظامی را به دوش این کشور انداخت. در ۱۹۷۲ نیکسون، رئیس جمهور آمریکا، فروش انواع سامانه های جنگ افزاری، فارغ از میزان پیشرفته بودنشان، جز سلاح های هسته ای را به رژیم سرکوبگر شاه آزاد کرد. با رشد یک باره بهای نفت در ۱۹۷۳، شاه توانست اشتهای وصف ناپذیرش را برای خرید جنگ افزار سیراب کند که عملاً معنایی جز انتقال ثروت نفتی ایران به جیب پیمانکاران دفاعی آمریکا نداشت. در خلال سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸، او سفارش ۲۰ میلیارد دلار جنگ افزار را به ایالات متحده داد. شاه به بزرگترین واردکننده جنگ افزار نظامی آمریکا تبدیل شده بود. در پی کودتای ۱۹۵۳، سیل مشاوران نظامی آمریکا رهسپار ایران شدند، به طوری که تا ۱۹۷۶ ایران به کشوری وابسته به ایالات متحده تبدیل شده بود.

شاه با هشت رئیس جمهور آمریکا هم دوره بود، اما فقط ۶ نفر از آن ها که با پس از کودتای ۱۹۵۳ بر سر کار آمدند یا در برنامه ریزی کودتا سهم داشتند، اینجا مدنظر ما قرار دارند؛ یکی از آن ها آیزنهاور بود که با پنج دولت بعدی که به ترتیب کندی، جانسون، نیکسون، فورد و کارتر را در رأس خویش می دیدند، پشتیبانی از کودتا و حکومت شاه را استمرار بخشیدند.

از این جمع، سه رئیس جمهور، جمهوری خواه و سه نفر دیگر دموکرات بودند. دولت های جمهوری خواه به طور کلی در قیاس

با دولت های دموکرات از سخاوت اقتصادی بیش تری برخوردار بودند. به علاوه، کندی به شاه برای توزیع دوباره بخشی از اراضی ملی فشار می آورد. کندی برای اثبات جدی بودن طرح های اصلاحی اش کمک های نظامی را به رژیم کاهش و کمک های اقتصادی را افزایش داد. با این حال، خللی در پایداری هر دو حزب عمده آمریکا به «دکترین ریشه» پدید نیامد.

در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، جیمی کارتر، نامزد دموکرات ها، مبنای سیاست های حزب متبوع خود را ارتقای وضع حقوق بشر اعلام کرد. کارتر از دولت وقت آمریکا که ریاستش را فورد برعهده داشت، به دلیل فروش های تسلیحاتی اش، به ویژه به ایران، انتقاد می کرد. با این حال وقتی خود به قدرت رسید سیاست گذاران آمریکایی همان مسیر قبلی را پی گرفتند. نخستین سال فعالیت دولت جدید با فروش های تسلیحاتی در همان سطح سال های پیشین به پایان رسید. جالب این است که رکورد فروش های نظامی آمریکا در همین دوره کارتر به ثبت رسید. نتیجه کلی آشکار بود؛ واشینگتن به کترین ریشه وفادار باقی مانده بود. در شب سال نو ۱۹۷۸، شاه پذیرایی ملوکانه ای را برای کارتر که از ایران دیدن می کرد ترتیب داد. رئیس جمهور آمریکا شاه را با این الفاظ خوش رنگ و لعاب مورد ستایش قرار داد: «ایران، به انکای رهبری شکوهمند شاه، جزیره ثباتی در یکی از نواحی آشوب زده جهان است. من، شما و پادشاهی و رهبری تان را

می ستایم و احترام، تحسین و عشقی را که مردم به شما ابراز می دارند، ارج می نهم.»

یک سال و پانزده روز بعد، شاه بر اثر فشار و اعتراض های ترکیبی از رهبران مذهبی و ملی گرا با همکاری نیروی هوایی ایران، مجبور به ترک کشور شد. فساد و سرکوبگری به ویژگی های بارز رژیم شاه در دو سال آخر سلطنت او تبدیل شده بود. شکاف غنی و فقیر افزایش یافته بود و شاه دست ساواک را برای مقابله با دشمنانش باز گذاشته بود.

انقلاب ایران را به عنوان خیزشی طبقاتی توصیف می کنند که در آن طبقات محروم تر جامعه و طبقه متوسط که تازه ظهور یافته بود، دست در دست یکدیگر علیه شاه به پا خاستند. رهبران مذهبی شیعه همانند حلقه های یک زنجیر، انقلاب را سازمان دهی می کردند. روحانی محبوب و بسیار پرطرفداری به نام آیت الله خمینی دست از تبعید بازگشت تا رهبری حکومتی اسلامی را بر عهده گیرد.

شاه روابط بسیار دوستانه ای را با آمریکا که بعدها دشمن شماره یک حکومت نوپای ایران شد، برقرار کرده بود. او در مصر، مراکش، پاناما، مکزیک، و ایالات متحده در جستجوی گرفتن پناهندگی برآمد، اما پس از بازگشت به مصر در بیست و هفت جولای ۱۹۸۰ بر اثر سرطان مرد [۱].

۱. فردریک اچ گارو، علیه تروریسم، ترجمه علی عبدالمحمدی، تهران: روایت فتح، ۱۳۸۶، ۱۲ تا ۱۶.

دوران روح فاطمه بنتی الزینب

از اوایل دهه ی ۳۰ آمریکایی ها وارد میدان شدند، همی امور را قبضه کردند و در اختیار گرفتند؛ سیاستها سیاستهای آمریکا [بود]؛ آنچه منافع آمریکا ایجاد میکند، چه در رفتار داخلی، چه در رفتار منطقه ای، چه در رفتار بین المللی؛ عیناً آنچه آنها لازم میدانستند؛ یعنی یک تحقیر عظیم ملت ایران. این یکی از خصوصیات آن رژیم خبیث این بود. اینکه شما می بینید آمریکایی ها با چه لجی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه میکنند؛ به خاطر این است. اینها یک چنین دورانی را گذراندند؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آنها رفته است؛ لذا دشمنی آنها با انقلاب تمام شدنی نیست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای مدظله العالی ۱۳۹۳/۱۰/۱۷



تهاجم فرهنگی

تهاجم اقتصادی

تهاجم سیاسی

تهاجم نظامی

مجموعه اقدامات جنایتکارانه تهاجم امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

نظام سلطه و استکبار

از اوایل پیروزی انقلاب، برای جمعی که از صحنه‌های اصلی انقلاب جدا بودند و روح حقیقی انقلاب را درک نکرده بودند، عادت شده است که تکرار کنند و بگویند و بنویسند که اگر ما از اول انقلاب با آمریکا مواجهه نمی‌کردیم، در طول این چند سال، این همه خطر و زحمت از طرف آمریکا برای انقلاب و ملت ما پیش نمی‌آمد! ممکن است پشت سر این گویندگان، دست‌های تبلیغات چپ‌های خود آمریکایی‌ها و غربی‌ها قرار داشته باشد، من به این قسمت و به این بُعد قضیه کاری ندارم. اصلاً خود حرف، حرفی غلط و ساده‌لوحانه است، البته اگر مغرضانه نباشد. مسئله این نیست که ملت ایران آیا حق داشت به آمریکا تعرض بکند یا نه؟ و اگر حق داشت یا حق نداشت، آیا مقتضای عقل و حکمت این بود که به آمریکا تعرض بکند یا نه؟ اصلاً قضیه این نیست؛ بلکه مسئله این است که انقلابی با جوهر فکری اسلام، ممکن نیست از تعرض آمریکا و امثال آن، خود را برکنار بداند. استکبار جهانی، بر تخت فرعون‌نوی زور زورش که ننشسته تا صرفاً تماشا کند و بی تفاوت بماند و مشاهده کند که در میان ملت‌ها، فکرها و اندیشه‌هایی رشد می‌کند که پایه این اندیشه‌ها، واژگون کردن تخت استکباری است. معلوم است که بی تفاوت نمی‌ماند. معلوم است که با دستگاه‌های اطلاعاتی و ایدئولوگ‌های مخصوص خود، کاملاً تشخیص می‌دهد که کجا و کدام فکر و کدام ملت و کدام شخص، برای او تهدید محسوب می‌شود و سعی می‌کند با تمام قوا، این تهدید را از خودش رفع کند و در این خصوص، حتی شخصیت‌ها را ترویر کند و قبل از آن که نهضت ملت‌ها به ثمر برسد، آن‌ها را زین‌فشارهای وحشیانه قرار دهد. آیا فکرمی‌کنید آنجایی که استکبار احساس خطری کند، نسبت به

انقلابی که علی‌رغم میل او، رشد کرده و پیروز شده و دولت و ملتی تشکیل داده و شماری در دنیا مطرح کرده و همه از کایش تهدیدی نسبت به عرش قدرت استکبار است، آرام و تحیب و بی تفاوت خواهد بود و در گوشه‌ای خواهد نشست؟! استکبار، با همه وجود به مقابله با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی کمر بست. اگر انقلاب اسلامی متعرض آمریکا هم نمی‌شد، آن قدر فشار و حيله و خدعه از طرف استکبار و آمریکا، علیه این انقلاب و نظام انجام می‌گرفت، تا یا منحرفش کنند و یا به کلی نابودش نمایند. این، روش آمریکا و استکبار در مقابل انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی با جوهر و طبیعت و ماهیت اسلامی خود، چنین خصومت و دشمنی را از طرف استکبار اقتضا دارد. نکته دومی که جوان‌ها باید به آن توجه کنند، این است که ما چرا با فلان دولت یا فلان رژیم مخالفیم؟ آیا این درست است که کسی تصور کند موضع‌گیری ما در مقابل قدرت‌های استکباری عالم، موضع‌گیری موسمی یا مصلحتی یا تاکتیکی است، یا نه؟! البته که این تصور غلطی است. معنا و مفهوم استکبار، مفهومی قرآنی است و چیزی نیست که بی خود و بی دلیل، در فرهنگ انقلاب ما به وجود آمده باشد. مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمانان و مؤمنان و نظام و انقلاب اسلامی اقتضای کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود. اصلاً مفهوم استکبار در قرآن همین است که عنصری یا شخصی یا جمعی یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتیش را ملاک حق قرار بدهد! اولین مستکبر در تاریخ که قرآن برای ما



ترسیم می‌کند، ابلیس است؛ «ابی‌واستکبر» (بقره: ۲۴). او، اولین مستکبر است. ممکن نیست فرض کنیم که یک مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی یک روز یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قال الملأئذین استکبروا من قومه لخرجنک یا شعیب» (اعراف: ۸۸). وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم! این لحن زورگویانه، در مقابل، داعی به حق است. این، معنا و تصویری روشن از استکبار است که در دنیای امروز، همان نظام سلطه می‌باشد و در محیط سیاسی دنیا، همان روح ابرقدرتی و هر آن چیزی است که به سمت ابرقدرتی کشش داشته باشد و تمایل پیدا بکند. قدرت‌هایی که هنوز ابرقدرت نیستند، اما خودشان را نیمه‌ابرقدرت می‌دانند، آن‌ها هم در برخوردشان همین طورند. امروز، متأسفانه محیط زندگی بشر از تصرفات و عملکرد گروه‌های استکباری در سرتاسر دنیا سرشار است. البته، در رأسشان آمریکا است. اینکه دولتی در آن سر دنیا به خود حق می‌دهد علی‌رغم منافع ملت‌های منطقه، منافع خودش را تأمین بکند، این همان روح استکبار است و چیز دیگری نیست. این که دولتی به خود حق می‌دهد که اگر دولتی مخالف او بود، صریحاً و علناً و بدون هیچ خجالتی بگوید: من او را برمی‌اندازم، این روح استکبار است؛ همین چیزی که امروز آمریکا نسبت به بسیاری از دولت‌های آمریکایی لاتین و بعضی جاهای دیگر دنیا سرمی‌زند. استکبار، چون جوابی ندارد و منافعی در خطر است و متعنتش با سقوط آن دولت، بیشتر تأمین می‌شود، این موضع را می‌گیرد.

اگر شما امروز به صحنه سیاسی دنیا نگاه کنید، از این قبیل چیزها زیاد مشاهده می‌کنید. اینکه قدرت‌ها بیابند کشوری را قزق کنند و ملتی را از خانه خودش بیرون نمایند و به زور، دولت دیگری را در آنجا تشکیل دهند و جای آن‌ها بنشانند، این همان حرکت استکباری است. در حادثه فلسطین، قدرت‌های زورگویی دنیا دست‌به‌دست هم دادند و یک ملت را از خانه خودش به کلی آواره کردند. این، چیز خیلی بزرگ و عجیبی است. امروز، دنیا به این رویه عادت کرده است که ملتی را از داخل کشورش اخراج کنند و سپس به زور، آدم‌هایی را از جاهای مختلف دنیا بیاورند و در آنجا بنشانند و ملتی دروغین و مصنوعی به وجود بیاورند و دولتی را هم در رأسش بگذارند تا منافع قدرت‌های بزرگ در آن منطقه عربی حساس تأمین بشود! این، همان استکبار است. اینکه امروز مشاهده می‌کنید آمریکایی‌ها با خونسردی تمام، از کشتار هزاران انسان حرف می‌زنند و انفجار بمب در هیروشیما و کشتار هزاران انسان را عادی تلقی می‌کنند و می‌گویند: آن اقدام به مصلحت بود و ما چنین کاری را لازم دانستیم! همان روح استکبار است. اگر هوایمایی را بر سر نشینان شاق می‌کنند و مورد اعتراض قرار می‌گیرند، می‌گویند: قضیه‌ای بود که تمام شد، صحبتش را نکنید! به طور طبیعی، برای آن‌ها آذکشی و جنایت، امری معمولی است؛ اما آنجایی که پای منافع خودشان در میان باشد و یا فرضاً یک شهروند آن‌ها در گوشه‌ای از دنیا غلطی کرده باشد و چند نفر از فشار رنج و ناراحتی، بلایی سر او بیاورند، در این هنگام، دنیا را از جنجال پُر می‌کنند چون برای خودشان حقی در زندگی و حیات قائلند که برای هیچ‌کس از افراد بشر، این حق را قائل نیستند. این، همان روح استکبار است که در نظام سلطه کنونی دنیا وجود دارد. ۱۱

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، www.khamenei.ir/۱۳۶۸/۱۰

در هیچ غلطی غیبی ازین کتب

یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگویی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: **وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، أَن كَسَانِي كَهَ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِم دَائِرَةٌ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاعْتَدَ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا**. اعتقاد به وعده الهی، به صدق وعده الهی - که فرموده است **«إِن تَصْرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»**

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای مدظله العالی - ۱۳۹۴/۰۳/۱۴



تهاجم فرهنگی

تهاجم اقتصادی

تهاجم سیاسی

تهاجم نظامی

مجموعه اقدامات جنایتکارانه تهاجم امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



چرا آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند؟

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره همه تلاش‌های ایالات متحده آمریکا و غرب برای به‌زانو درآوردن نظام جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه‌ها با اتحاد و همبستگی ملت ایران و تکیه بر اصل ولایت‌فقیه با ناکامی و شکست مواجه شده است. این شکست‌ها آنچنان تلخ و ناگوار بوده که گاهی همراه با بغض بر زبان آن‌ها جاری شده است. در این رابطه «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در جمع سالیانه یهودیان آمریکا، با اشاره به برخی از طرح‌ها و توطئه‌های صهیونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، می‌گوید: «من از بافت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران در شگفتم... بودجه بیست میلیون دلاری که در اینجا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است، تنها یکی از صدها طرح و برنامه‌ای است که ما و آمریکا به‌کار بسته‌ایم. تعجب من از همین است. ما هم اکنون ایران را در پایکوت خبری به تنگ آورده‌ایم و با اطلاق عنوان تروریست به آن، همه افکار جهانیان را با ایران به مناصحه آورده‌ایم، اما این نظام به‌گونه‌ای شگفت و نامعلوم، آسیب‌های خود را ترمیم می‌کند» [۱].

شکست‌های ایالات متحده فقط به حوزه مسائل داخلی ایران محدود نمی‌شود، بلکه آن‌ها در حوزه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در مقابله با جمهوری اسلامی ایران محکوم به شکست بوده‌اند. «سناتور مک‌کین» در مصاحبه‌ای با شبکه «MSNBC» آمریکا با اشاره به اینکه تحولات جدید خاورمیانه باعث کسب برتری ایران در منطقه شده است، معتقد است:

۱. بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، آمریکا دنیا را به کدام سو می‌برد، تهران: سروش، ۱۳۹۰، ص ۹۹.
۲. مهدی افراز کنجین و سیدمحمدجواد زمانیان، هلی برن از پشت میز، قم: مجداسلام، ۱۳۹۴، ص ۲۲.
۳. همان، ۱۳۹۰، ص ۲۳.

عربستان سعودی حتی از امکان کمتری برای تبدیل شدن به قدرت غالب این منطقه برخوردار است چراکه دارای جمعیت نسبتاً کم و نهادهای ضعیفی است و تماماً به نفت وابسته است. احتمال تبدیل شدن ایران به قدرت اصلی منطقه با مطالعه تاریخ و جغرافیای منطقه به‌وضوح مشخص است» [۴].

«و.ای. بیروتایف» دکترای تاریخ و محقق برجسته روسیه درباره نقش ایران در تحولات منطقه می‌گوید: «بهترین تعبیر برای سیاست خارجی امروز ایران «رهبری منطقه‌ای» است» [۵].

پروفسور «نوام چامسکی» معتقد است که آسیا در حال شکل‌گیری به یک جبهه متحد علیه نظام اقتصادی آمریکا است او در کتاب *دولت‌های فررومانده* چنین می‌گوید: «ایجاز احمد، تحلیلگر هندی می‌نویسد که ایران می‌تواند طی دهه آینده یا کمی بیشتر، به‌عنوان رکن اصلی واقعی در شکل‌دادن آنچه چین و روسیه به‌عنوان شبکه امنیتی انرژی مطلقاً مستقل آسیا در نظر گرفته‌اند، ظاهر شود تا کنترل غرب بر ذخایر انرژی دنیا را قطع و انقلاب صنعتی بزرگ آسیا را حفظ و نگهداری کند. احتمال می‌رود که کره جنوبی و کشورهای جنوب شرقی آسیا و شاید ژاپن هم به آن‌ها بپیوندند» [۶].

«مایکل کلیز»، یکی از کارشناسان اقتصادی آمریکا درباره امپراتوری آینده ذخایر انرژی جهان می‌گوید: «در سال ۲۰۵۰ ایران و روسیه کنترل نیمی از ذخایر گازی جهان را به‌دست خواهند داد» [۷].

۴. مهدی افراز کنجین و سیدمحمدجواد زمانیان، هلی برن از پشت میز، قم: مجداسلام، ۱۳۹۴، ص ۲۳.
۵. مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، *اسلامی از دیدگاه انلیستمنان روس*، تهران: الهی، ۱۳۹۱، ص ۹۵.
۶. نوام چامسکی، دولت‌های فررومانده، ترجمه اکرم پندرام نیا، تهران: افق، ۱۳۸۹، ص ۵۰۱.

گرفت، که به‌طور بالقوه به آن‌ها قدرت نفوذ خارق‌العاده‌ای بر حوزه انرژی اروپا خواهد داد. اگر نفت را هم به این معادله اضافه کنیم، همان طوری که شورای اطلاعات ملی هشدار داده، این دو کشور یعنی ایران و روسیه به پادشاهان انرژی دنیا تبدیل خواهند شد» [۷].

«آلردمک‌کوی» یکی از معروفترین اساتید تاریخ دانشگاه‌های آمریکا زوال آمریکا را بسیار نزدیک پیش‌بینی می‌کند و می‌گوید: «اضمحلال آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی شاید بسیار زودتر از آن زمانی اتفاق بیفتد که برخی کارشناسان تخمین زده‌اند، اگر واشنگتن سال ۲۰۴۰ یا ۲۰۵۰ را تاریخ انقضای «قرن آمریکایی» می‌داند، یک ارزیابی واقع‌گرایانه‌تر از روند امور در عرصه داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ یعنی تنها ۱۵ سال دیگر دوران آمریکا به سر خواهد آمد» [۸].

«فیلیس بنیس»، از اعضای گروه مطالعاتی «مؤسسه مطالعات سیاسی واشنگتن» طی مقاله‌ای درباره ناتوانی آمریکا در مقابله نظامی با جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «در صورتی که آمریکا ایران را مورد حمله نظامی قرار دهد، نظامیان ایران می‌توانند پایگاه‌های نظامی آمریکا در کویت، عمان و قطر را مورد حمله قرار داده و یگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در بحرین را هدفگیری کنند. ایران همچنین می‌تواند به اسرائیل حمله کند. ابزار دیگر ایران تنگه هرمز و جلوگیری از صدور نفت از این معبر و نیز عبور تانکرهای نفتی و نفتکش‌هاست. در حال حاضر ۴۵ درصد از نفت جهان از این معبر صادر می‌شود. تأثیر اقتصادی» [۹].

۷. حسن قدوسی زاده، *مرکب شیطان نزدیک است*، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴، ص ۴۲.
۸. همان، ص ۲۰۸.



آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

دنیا باید آمریکا را از بین ببرد، و الا تا اینها هستند، این مصیبت‌ها در دنیا هست. اینجا نشد، یک جای دیگر. الان در بسیاری از جاهای دنیا، آمریکا آتش افروخته و جنگ‌هایی که الان در بسیاری از جاهای دنیا هست، همه‌اش زیر سر این است.

حضرت امام خمینی (ره) ۱۳ آبان ۱۳۶۱



تهاجم فرهنگی

تهاجم اقتصادی

تهاجم سیاسی

تهاجم نظامی

مجموعه اقدامات جنایتکارانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



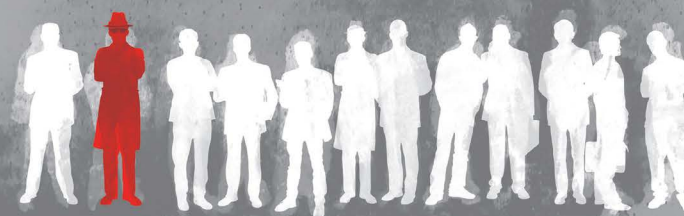
خیال های خام

دشمنی هایی که از اول انقلاب، دولت ایالات متحده آمریکا و رؤسای جمهور مختلف با نظام اسلامی انجام داده اند، همه یک جنس است، همه یک جور است. اول قومیت های داخل کشور را تحریک کردند، بعد کودتا تدارک دیدند، بعد عراق را وادار کردند به حمله، بعد به دشمن ما که رژیم صدام بود کمک کردند در جنگ با ما، بعد تحریم را اعلام کردند، بعد همه وسایل جمعی دنیا را تحریک کردند و به خط کردند برای مقابله با نظام اسلامی؛ در زمان رؤسای جمهور مختلف این کار انجام گرفته؛ الآن هم دارد انجام می گیرد.

رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۲/۸/۲۹)

تهاجم امنیتی

روایتی از حملات امنیتی ایالات متحده آمریکا



تهدید علیه امنیت ملی



ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده ایم، ما شعار **مرگ بر آمریکا** را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و **جاسوسی آمریکا** تماشا کرده ایم، ما همه شعارها پیمان را با عمل محک زده ایم.

حضرت امام خمینی (ره) - صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۸۱

- حمالت سایبری
- جنگ اینترنتی
- حمایت از اشراق
- شورش و اغتشاش
- فتنه و نفوذ
- گروگان گیری
- بمب گذاری
- ترور
- ستون پنجم
- حمایت از گروهک ها
- کودتای نوژه
- لانه جاسوسی
- تجزیه ایران
- دخالت مستقیم

تهاجم امنیتی:



دخالت مستقیم:

با گسترش انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و بحرانی شدن اوضاع که روزبه‌روز بر آن افزوده می‌شد، آمریکا دیگر سکوت و ایهام را جایز ندید و سیاست خود را بر اساس پشتیبانی همه‌جانبه از شاه و دخالت مستقیم در جهت جلوگیری از انقلاب، اتخاذ و اعمال کرد. تشکیل کمیته ویژه بررسی اوضاع ایران و ترغیب شاه به اعلام حکومت نظامی، از اولین نشانه‌های این سیاست بود. در این دوران تمام تلاش آمریکا عبارت بود از غلبه بر بحران از طریق نگاه‌داشتن شاه بر قدرت، تشویق و ترغیب شاه به مقابله قاطع با انقلابی‌ها، سرکوب رهبرهای مذهبی، ایجاد رعب و وحشت با قتل‌عام مردم بی‌گناه در حوادث ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان و ...

ایالات متحده شخص شاه را مهم‌ترین عنصر حفظ منافع خود، نه تنها در ایران بلکه در منطقه می‌دانست، به همین دلیل از روند تحولات ایران و نامشخص بودن آینده آن بسیار نگران بود و مقرون به صرفه‌ترین راه را در حمایت از حکومتی می‌دید که در ۲۵ سال گذشته همواره خدمتگزار آمریکا بود. از نظر منطقه‌ای نیز، سقوط شخص شاه به نفع آمریکا نبود. «برزیسکی» معاون وزیر خارجه آمریکا معتقد بود که سقوط شاه، علاوه بر پیامدهای سیاسی، باعث خواهد شد تا سایر متحدان آمریکا در منطقه، به ویژه سران عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس در روابط خود با ایالات متحده تردید کنند و این تردید به زیان آمریکا تمام می‌شد. در این زمینه کارتر، رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌گوید: «در حال برای من تردید باقی نمانده بود که ما باید بدون هیچ‌گونه قید و شرطی از شاه پشتیبانی کنیم. او طی چندین

دهه گذشته یکی از وفادارترین متحدان ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رفت و ما فکر می‌کردیم که ایجاد دولت ثابت و استوار در ایران بدون مشارکت وی امکان‌پذیر نیست. ما درباره مخالفان شاه، اطلاعات کمی داشتیم، ولی بیانی‌ها و شعارهای ضدآمریکایی آن‌ها، برای قانع کردن ما در این مورد کافی بود که برای حفظ منافع خود باید به حمایت از رژیم شاه ادامه دهیم و هرگونه کمکی که از ما ساخته است، برای موفقیت او در مبارزه مایوسانه‌اش به‌خاطر حفظ تاج‌وتخت در اختیار وی قرار دهیم».

با به‌اوج رسیدن انقلاب اسلامی و فرار شاه و حامیان‌ش، آمریکایی‌ها باز هم دست از حمایت‌های خود برنداشتند. در این راستا کارتر از بختیار برای استقرار نظام شاهنشاهی حمایت کرد و به نیروهای خود دستور داد تا ارتش را برای حمایت بی‌دریغ از بختیار آماده کنند، اما این اقدام نیز با بازگشت امام خمینی رهبر به ایران و گسترش اعتراض‌های مردمی یا شکست مواجه شد.

با ورود امام خمینی رهبر به ایران و سقوط نظام شاهنشاهی، اگرچه سیاستمداران آمریکا در ظاهر دست از حمایت شاه و اطرافیان‌ش برنداشتند ولی آن‌ها دریافتند که تنها راه برای پایان دادن به آشوب‌ها و جلوگیری از سرایت آتش آن به دیگر نقاط منطقه، کنار گذاشتن خود از رویدادهای آینده ایران و خارج کردن مستشاران آمریکایی از کشور و قبول پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران است [۱]

۱- حسن خداوردی، روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷.



ظلم‌های آمریکارا

نه فراموش می‌کنیم...
نه می‌بخشیم...



تجاه امنیت: مستقیم

دیکتاتوری رژیم غلط شیونازیست

اینها کسانی هستند که سالهای متمادی از پلیدترین دیکتاتورها حمایت کردند. در کشور ما کودتای ۲۸ مرداد را **آمریکایی‌ها** به‌راه انداختند و بیست و پنج سال سخت‌ترین و سیاه‌ترین **دیکتاتوری** را در این کشور به‌وجود آوردند و قرص و محکم از آن حمایت کردند. هر فاجعه‌ای که به‌وسیله آن رژیم در ایران صورت گرفت - مثل قضاوی **۱۵ خرداد** و **۱۷ شهریور** که در هر کدام از این حوادث، تعداد کثیری از مردم غیر نظامی و مردم کوچک و خیابان به‌دست عوامل مزدور رژیم کشته شدند - **آمریکایی‌ها** جانب رژیم دیکتاتوری را گرفتند و علیه مردم حرف زدند؛ چه در قضیه اول که زمان «کندی» بود، چه در قضیه دوم که زمان «کارتر» بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۸۲/۰۸/۲۳



- تجاه امنیت: مستقیم
- لانه جاسوسی
- تجزیه ایران
- کودتای نوژه
- حمایت از گروهک‌ها
- ستون پنجم
- ترور
- بمب‌گذاری
- گروگان‌گیری
- شورش و اغتشاش
- فتنه و نفوذ
- حمایت از اشراق
- جنگ اینترنتی
- حملات سایبری



تجزیه ایران:

دولت‌مداران آمریکا از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به گستردگی و تفاوت‌های اقلیمی، قومی و مذهبی کشور ایران در فکر تجزیه این کشور پهناور به چند منطقه کوچک‌تر بوده‌اند. آن‌ها تنها سه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی غائله کردستان و پس‌از آن موارد مشابه را در دیگر مناطق همچون ترکمن صحرا و خوزستان برای تجزیه ایران به راه انداختند. در این رابطه در یکی از اسناد «خیلی محرمانه» سفارت آمریکا، یکی از دیپلمات‌های آمریکایی به نام «جان گریوز» در رابطه با نحوه مقابله با انقلاب اسلامی ایران به دولت خود پیشنهاد می‌کند: «به نظر من حداقل دو سناریو وجود دارد که می‌توان آشوب به پا کرد و باعث سقوط نهایی آنان شد. سناریوی اول؛ نیروهای روبه‌تفرق، ناشی از نارضایتی‌های نژادی و منطقه‌ای که اگر به نحو مناسبی با آن‌ها برخورد شود، می‌توانند سبب بسته شدن حوزه‌های نفتی و رکود در اقتصاد سنتی شده و یا ملیت‌خواهی را آن قدر بی‌اثر کنند که توده‌های مردم از عدم استعداد و توانایی رهبران اسلامی خود ناراضی و ناامید شوند. سناریوی دوم؛ ایجاد اختلاف در میان دانش‌آموزان مدارس و دانشجویان دانشگاه‌ها نیز می‌تواند سبب بروز نارضایتی عمومی و باخوشوند شده و سبب به وجود آمدن همان دوره‌های چهارروزه شهادت‌طلبی شود که منتهی به سقوط شاه شد.» در سندی دیگر به تاریخ ۶ اوت ۱۹۷۹ (۱۵ مرداد ۱۳۵۸) که دارای طبقه‌بندی سری است، چنین آمده است: «اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاش‌های خود

را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما امکان موفقیت دارند.»

ملاحظه می‌شود که جاسوسان آمریکایی که با پوشش دیپلمات در سفارت آمریکا در تهران مستقر شده بودند، از همان اوایل سال ۱۳۵۸ به فکر ایجاد آشوب در کشور و سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. آن‌ها با ایجاد سناریویی با عنوان «ایجاد اغتشاش هم‌زمان» با حمایت از حزب «دموکرات کردستان ایران»، پرداخت میلیون‌ها دلار کمک از طریق «پیمان ناتو» و حمایت هم‌زمان از گروهک «پیکار» و گروه‌های تجزیه‌طلب دیگر، طرح تجزیه ایران را دنبال می‌کردند. آن‌ها آن‌چنان به موفقیت این سناریو دل بسته بودند که یکی از سناتورهای آمریکایی به نام سناتور «جکسون» در طی مصاحبه‌ای در اکتبر ۱۹۷۹ (مهر ۱۳۵۸) اظهار می‌دارد: «انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است.»^[۱]

سناریوی تجزیه جمهوری اسلامی ایران همواره در دستور کار مؤسسات و بنگاه‌های فکری و رسانه‌ای آمریکا بوده است به‌گونه‌ای که آن‌ها از هر فرصتی برای تحریک قومیت‌های مختلف استفاده کرده‌اند که این اقدامات همواره با آگاهی و بصیرت ملت ایران و با درایت مسئولان نظام با شکست مواجه شده است.

۱. کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کجا، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹ تا ۱۶۴.

معاهده گلستان

این معاهده بین دولت قاجار و روسیه تزاری در ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳ تنظیم گردید، به دنبال این قرارداد، حکومت بخش‌هایی از شمال دولت شاهنشاهی ایران شامل قفقاز، ارمنستان و ایالت‌های شرقی گرجستان از ایران سلب و به روسیه تزاری واگذار شد.

معاهده ترکمنچای

این معاهده بین دولت قاجار و روسیه در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ تنظیم گردید، به دنبال این قرارداد، قلمروهای دولت قاجار در قفقاز شامل خانات ایروان و نخجوان از ایران سلب و به روسیه واگذار شد.

معاهده پاریس

این معاهده بین دولت انگلیس با ایران در مارس ۱۸۵۷ در پاریس تنظیم گردید، برطبق این پیمان ایران از ادعای خود بر هرات چشم‌پوشی کرد و هرات در سال ۱۸۶۳ به افغانستان ملحق گشت.

پیمان اخال

این پیمان میان امپراتوری روسیه و ایران در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ تنظیم گردید، برطبق این پیمان ایران از حکومت بر مناطق شمال شرقی و مناطق ترکمن نشین دست کشید و حکومت روسیه را بر این مناطق به رسمیت شناخت.

حکمت مک ماهون

ماجرای حکمت مک ماهون به منظور تعیین تکلیف آب هیرمند و رفع اختلاف ایران و افغانستان در ژوئن ۱۹۰۵ اتفاق افتاد، برطبق این حکم انگلستان مناطق جنوب شرقی سیستان را از ایران جدا نمود.

نظرسنجی استقلال بحرین

جدا شدن بحرین از ایران در ۱۱ مه ۱۹۷۰ با فشار دولت انگلستان به محمد رضا پهلوی صورت گرفت، این توافق با توجه به نظرسنجی تحمیل شده از سوی دولت بریتانیا و نمایندگی دبیرکل سازمان ملل متحد در بحرین صورت گرفت.

کتاب امنیتی

حمله غلط غربی‌انگیز

اولین کاری که از طرف امریکائی‌ها انجام گرفت، **تحریک مخالفین** پراکنده‌ی جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های **تجزیه‌طلب** و تروریستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند. در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های **تجزیه‌طلب** در آنجا زمینه‌ای داشت، انگشت **آمریکائی‌ها** را ما دیدیم؛ گاهی پول آنها را، و حتی در مواردی عناصر **آمریکائی** را ما در آنجا دیدیم؛ این برای مردم ما خسارت زیادی داشت. متأسفانه این کار هنوز هم ادامه دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۸/۰۱/۰۱



لانه جاسوسی

با توجه به اسناد به‌دست‌آمده از سفارت آمریکا در تهران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات متحده به همراه نیروهای بازمانده ساواک و عناصر وابسته به حکومت پهلوی، مشغول جاسوسی، خرابکاری، ترور و ایجاد ناامنی در ایران بوده که شرح این اقدامات خرابکارانه را بعداً جمهوری اسلامی ایران در مجموعه کتاب‌هایی با عنوان اسناد لانه جاسوسی آمریکا فاش کرد. این فعالیت‌های خرابکارانه چندان هم از چشمان مردم انقلابی ایران دور نماند به‌گونه‌ای که با پناهنده شدن شاه به آمریکا و یادآوری خاطرات تلخ کودتای ۲۸ مرداد، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف و شهید بهشتی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در سالروز کشتار دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی، گرد هم آمده و طی راهپیمایی به سمت سفارت آمریکا حرکت کردند و سفارت آمریکا را به تصرف کامل درآوردند. به محض انتشار این خبر، مردم بسیاری با خشم و انزجار مقابل لانه جاسوسی تجمع کرده و از حرکت دانشجویان حمایت کردند. امام خمینی نیز در پیامی این حرکت را انقلاب دوم و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامیدند.

پس از این ماجرا آمریکایی‌ها ایران را عامل و محرک این ماجرا معرفی کردند. این در حالی بود که عامل اصلی این ماجرا خود آمریکایی‌ها بودند چراکه دولت موقت قبل از تسخیر لانه جاسوسی هشدارهای لازم را درباره عواقب پناهندگی شاه به آمریکا داده بود، اما علی‌رغم این هشدارها دولت آمریکا از این امر سر باز زده و شرایط لازم را برای ورود شاه به آمریکا فراهم کرد. در این رابطه، بریتنسنکی درباره دیدار خود با دولت بازگان که در تاریخ یک نوامبر ۱۹۷۹ در الجزایر برگزار شد، چنین می‌نویسد:

۱. بریتنسنکی، قدرت و اصول، ترجمه مرضیه ساقیان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۶۳۳.
 ۲. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۱۶.



کتابخانه امنیتی

تهدید امنیتی: لانه جاسوسی

در سال ۵۷ رژیم وابسته‌ی به آمریکا در خیابانهای تهران دانش‌آموزان را به قتل رساند و آسفالت خیابانهای تهران به خون نوجوانان ما رنگین شد، برای دفاع از رژیم وابسته‌ی به آمریکا؛ این هم مربوط شد به آمریکا. در سال ۵۸ ضربت متقابل بود؛ یعنی جوانان شجاع و مؤمن دانشجوی ما به سفارت آمریکا حمله کردند و حقیقت و هویت این سفارت را که عبارت بود از لانه‌ی جاسوسی کشف کردند و در مقابل چشم مردم دنیا گذاشتند. آن روز جوانهای ما اسم سفارت آمریکا را گذاشتند لانه‌ی جاسوسی، امروز بعد از گذشت سی و چند سال از آن روز، اسم سفارتخانه‌های آمریکا در نزدیکترین کشورها به آمریکا - یعنی کشورهای اروپایی - شده است لانه‌ی جاسوسی؛ یعنی جوانهای ما سی سال از تقویم تاریخ دنیا جلو بودند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۹۲/۰۸/۱۲



حمایت از گروهک‌های ضد انقلاب

دولت آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی دوره‌های مختلف همواره ارتباط خود را با گروهک‌های ضدانقلاب حفظ و همچنان به حمایت و پشتیبانی از آنان ادامه داده است. آمریکا از این گروهک‌ها یا برای جاسوسی و کسب اخبار و اطلاعات محرمانه و خرابکاری و وارد آوردن ضربات نظامی و اقتصادی استفاده کرده و یا برای شرکت در طرح‌های گوناگون براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و ترور مقامات کشوری و اشخاص مؤثر نظام استفاده نموده است. در این راستا آمریکا از گروه تروریستی مجاهدین خلق، گروه جبهه نجات ایران، گروه درفش کاویانی، گروه احمد مدنی، حزب دموکرات کردستان، سازمان کومله، سازمان پیکار و سازمان چریک‌های فدائی خلق، بیشترین حمایت‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی را انجام داده است.

برای مثال «جبهه نجات ایران» پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرار سلطنت‌طلبان به خارج از کشور در آبان ۱۳۵۸ اعلام موجودیت کرد و دکتر علی امینی با دریافت چراغ سبز از آمریکا، به‌عنوان رئیس تشکیلات، شروع به کار نمود. جبهه نجات ملی بودجه مشخص و مستقلی از جانب سازمان سیا داشت، روزنامه نیویورک تایمز طی گزارشی در آبان ماه فاش کرد که «سازمان سیا برای فعالیت جبهه نجات ایران، پنج میلیون دلار در اختیار دکتر امینی قرار داده بود».

«گروه احمد مدنی» در یادار احمد مدنی که با گرفتن کمک مالی پانصد هزار دلاری از سازمان سیا خود را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ کرده بود، پس از افشاشدن برخی از اسناد وابستگی، سرانجام به خیل فراریان از کشور پیوست و گروه خود را تشکیل

۱. کامران غفتمتری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کیا، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰ الی ۲۸۷



تجسس امنیتی

آمریکای سرخ‌خون غلط دست‌انبر کتب

پرچم مبارزه با ترور بسم را به دست گرفته‌اند و هنوز هم بدون خجالت، ادعای خود را تکرار میکنند؛ اما با منافقین که دستشان به خون ملت ایران و کردهای عراق و شیعیان این کشور آغشته است - که در قضیه انتفاضه سال ۱۳۶۹ عراق که صدام شیعیان را در جنوب عراق و در مناطق زیادی از این کشور قتل عام کرد، منافقین در کنار صدامیها با شیعیان جنگیدند - همکاری میکنند! ترور، کار آنهاست؛ خودشان هم اقرار و به آن افتخار میکنند؛ دنیا هم اینها را ترور بیست شناخته است؛ اما آمریکا اینها را زیر بال گرفت!

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۲/۰۲/۱۰



ستون پنجم

اصطلاح ستون پنجم از نظر مفهوم در واقع به معنای همان جاسوسی است، با این تفاوت که جاسوس به ضرر و زیان بیگانه کار می‌کند و نفع و مصلحت ملت و کشور خویش را حتی به قیمت جان از نظر دور نمی‌دارد؛ در حالی که ستون پنجم این معنی را افاده نمی‌کند بلکه افراد این ستون، دانسته یا ندانسته به زیان و ضرر خودی و نفع بیگانگان کار می‌کنند.

یکی از ابزارهای مهمی که ایالات متحده آمریکا برای رسیدن به اهداف اولیه و ثانویه خود در براندازی و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون به کار برده است، مسئله جاسوسی و استفاده از نیروهای ستون پنجم است. این اقدامات آمریکا را به طور کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: اول اقدامات جاسوسی به صورت آشکار؛ با تشکیل پایگاه جاسوسی در سفارتخانه آمریکا، ارتباط با عناصر وابسته به حکومت پهلوی و نیروهای بازمانده ساواک، انجام پروژه‌های براندازی، ترور و اخلاص در جامعه که این اقدامات خرابکارانه با تسخیر لانه جاسوسی و لورفتن اسناد آن با شکست مواجه شد. دوم اقدامات جاسوسی به صورت مخفی که با ازکارافتادن پایگاه جاسوسی آمریکا در تهران و فروپاشی تشکل‌های وابسته، آن‌ها به استفاده از ابزارهای الکترونیک و نیروهای ستون پنجم روی آورده‌اند.

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون طراحی و اداره کلیه فعالیت‌های جاسوسی در ایران توسط سازمان سیا انجام شده است. این فعالیت‌های جاسوسی به شیوه‌های گوناگون صورت پذیرفته، بدین ترتیب که با بعضی از مأموران سیا با مدارک جعلی وارد ایران می‌شدند و به کار جمع‌آوری اطلاعات و یا

فعالیت‌های تخریبی می‌پرداختند (مانند جان پاتیس و جیسون رضائیان)، یا از انواع گروهک‌های فراری و ضدانقلاب در خارج از کشور برای جمع‌آوری اطلاعات محرمانه و سازمان‌دهی آنان در جهت ضربه‌زدن به منافع جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری می‌کردند (مانند گروهک منافقین و گروهک‌های سلطنت طلب) و یا اینکه عده‌ای از افراد ساده‌لوح در داخل کشور را فریب داده و از آنان برای جمع‌آوری اطلاعات و اخبار، به خصوص در زمان جنگ، استفاده می‌کردند. در این رابطه «اندروور» پژوهشگر تلویزیون بی‌بی‌سی، در برنامه‌ای تلویزیونی می‌گوید: «سازمان سیا علی‌رغم نامید شدن از فعالیت‌های ضد ایرانی گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، سالانه مبلغ سه میلیون دلار به آنان پرداخت می‌کند. هدف این است که در کوتاه‌مدت از فراریان ایرانی به عنوان منبع کسب اطلاعات استفاده کند و شاید برای وقایع احتمالی آینده در ایران از آنان بهره‌برده».

رئیس سازمان سیا نیز در برنامه‌ای تلویزیونی اعتراف کرد که سازمان متبوعش از ناتوانی در مقابله با گسترش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران درس‌های تازه‌ای گرفته و از این پس خواهد کوشید با تکیه بیشتر بر منابع انسانی، تأثیر قاطع‌تری بر شکل‌گیری وقایع سیاسی حساس جهان داشته باشد. وی تکیه بیش‌ازحد بر اطلاعات ماهواره‌ای و وسایل الکترونیکی را موجب ضعف ارزیابی‌های سیا در دهه گذشته خوانده و ارزش نیروهای نفوذی و ستون پنجم را به عنوان ابزار درجه اول کسب اطلاعات و نیز پیشبرد جنگ روانی در کشورهای مورد نظر ستود.^[۱]

۱. کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران، کتا، ۱۳۸۰، ص ۳۱۷ تا ۳۲۲.



تجاهم امنیتی

سازمان جاسوسی غیبی ستون پنجم

این نفوذ برای این نیست که از یک جایی کودتا بشود؛ نه، میدانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد کودتا معنی ندارد.... این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمنند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۴/۱۲/۲۰



ترور عالمان، نجبگان، اندیشمندان، سیاستمداران، نظامیان، دانشمندان، استادان، دانشجویان و انقلابیون یکی از مهم‌ترین حربه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای متوقف کردن حرکت انقلاب اسلامی و جلوگیری از تکوین گفتمان و نظام فکری جمهوری اسلامی ایران بوده است. آن‌ها ابتدا برای این کار دو مسیر را دنبال کردند: اول تقویت گفتمان‌ها و اندیشه‌های التقاطی و دوم حذف نجبگان فکری و قره‌نگی جریان‌ساز اسلامی. اما زمانی که از مقابله فکری با متفکران اصیل اسلامی بازماندند و دچار استیصال و سردرگمی در برابر ملت ایران شدند، اقدام به حذف فیزیکی عالمان و دانشمندان ایرانی کردند؛ گزینه‌ای که از ابتدای انقلاب اسلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مکرراً مورد استفاده آمریکا و ایادی آن قرار گرفته است.

ایالات متحده آمریکا در اولین مرحله با خط‌دهی، هدایت، پشتیبانی و حمایت مالی از گروهک‌های تروریستی فرغان، فدایی خلق و مجاهدین خلق (منافقین) تا سال ۱۳۶۱ عده زیادی از متفکران، صاحب‌نظران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساندند. آن‌ها در جریان این ترورها استاد مرتضی مطهری، نخستین رئیس شورای انقلاب، آیات عظام قاضی طباطبایی، قدوسی، مدنی، دستغیب، صدوقی، اشرفی اصفهانی، دکتر حسن آیت، حجج اسلام دکتر مفتاح، هاشمی‌نژاد، انصاری و... را به شهادت رساندند، همچنین با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رساندن آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از بهترین یاران انقلاب و انفجار دفتر نخست‌وزیری و به شهادت رساندن رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایران، آقایان رجایی و باهنر، لکه‌تنگ ابدی بر چهره خود گذاردند

۱. محسن نصری، ایران، دیروز، امروز، فردا، تهران: معارف، ۱۳۸۸، ص ۳۱۲.
 ۲. صادق سلیمی بنی، ارضغان دموکراسی، تهران: معارف، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹.

به‌گونه‌ای که نشریه فاینشال تایمز پس از واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ نوشت: «در تاریخ، چنین واقعه‌ای بسیار مشکل به نظر می‌رسد که در آن بسیاری از رهبران سیاسی در یک زمان به قتل برسند» ۱۱.

موج دوم ترورها از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ آغاز شد، در این مرحله نوبت به اعضای نهادهای انقلابی و مردم عادی رسید. در این زمان، رهنمود رجوی، رئیس سازمان تروریستی منافقین، چنین بود: «در مرحله اول نوبت سران سیاسی بود. در مرحله دوم دست و پای اجرایی رژیم اهمیت درجه اول دارد... باید نرخ رشد کار عملیات به جایی برسد که دیگر پاسداری کار ساده‌ای نباشد و به بهای ارزانی میسر نشود و به عینه ببینند که بهایش گران است»؛ با این نگرش بود که مردم کوچه و بازار آماج حملات تروریست‌های مسلح قرار گرفتند ۱۲.

با پایان جنگ و شکست صدام و گسترش توانمندی‌های نظامی و دفاعی ایران، مرحله سوم ترورها با شهادت فرماندهان عالی‌رتبه نظام و بزرگانی چون سپهبد علی صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی ارتش، سردار سرتیپ نورعلی شوشتری، فرمانده نیروی زمینی سپاه، سردار سرتیپ رجبعلی محمدزاده و... به مرحله اجرا درآمد. مرحله چهارم ترورها با دست‌یابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای آغاز شد، در این مرحله دشمنان جهت ازکار انداختن صنعت هسته‌ای ایران به ترور دانشمندان هسته‌ای روی آوردند. آن‌ها در این راستا «دکتر مسعود علی محمدی»، «دکتر مجید شهریاری»، «داریوش رضایی‌نژاد» و «مصطفی احمدی روشن» را به شهادت رساندند.



حجج امنیت



ما هفده هزار شهید ترور در کشور داریم؛ هفده هزار شهید ترور! این رقم، رقم کوچکی است؟ این حرف شوخی است؟ آن کسانی که این ترورها را انجام دادند، امروز آزادانه در کشورهای غربی دارند حرکت میکنند. این ترورها، ترور چه کسانی بود؟ ترور کاسب، ترور کشاورز، ترور عالم، ترور استاد دانشگاه، ترور مؤمن متعهد، ترور کودکان، ترور زنان؛ هفده هزار شهید ترور، در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۹۴/۰۴/۰۶

- حمات سایبری
- جنگ اینترنتی
- حمایت از اشار
- شورش و اغتشاش
- فتنه و نفوذ
- گروگان‌گیری
- بمب‌گذاری
- ترور
- ستون پنجم
- حمایت از گروهک‌ها
- کودتای نوژه
- لانه جاسوسی
- تجزیه ایران
- دخالت مستقیم





بمب گذاری

تحلیل‌های خبرگزاری‌ها، گزارش تحلیل‌گونه «بری می» گزارشگر خبرگزاری رویتر قابل توجه است: «سازمان مجاهدین خلق که می‌گوید هفته گذشته سه حمله مسلحانه در تهران انجام داده است، از سال‌ها پیش به این سو با حکومت جمهوری اسلامی در نبرد است. این سازمان دفاتری در جهان غرب دایر نموده است. این گروه تاکنون مسئولیت حمله به بسیاری از هدف‌های نظامی، اقتصادی و دولتی ایران را به عهده گرفته است... از سوی ایران، سازمان مجاهدین خلق مسئول بمب‌گذاری‌های متعددی است که در نخستین سال‌های بعد از انقلاب باعث کشته شدن یک رئیس‌جمهور، یک نخست‌وزیر و بیش از دویست نفر از مقامات حکومتی، مجلسی و روحانی گردید... مجاهدین بعداً در طرف مقابل ایران، در جنگ هشت‌ساله با عراق، قرار گرفتند و شبکه‌ای از تبلیغات بین‌المللی را در پایتخت‌های اروپایی به وجود آوردند و حتی دفتری در واشنگتن گشودند که فاصله چندانی با کاخ سفید ندارد. این سازمان بازوی سیاسی خود را «شورای ملی مقاومت» می‌خواند و آن را مجلسی در غرب می‌داند که ۵۷۰ عضو دارد» (۱).

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان مجاهدین خلق، بی‌بی‌سی، تفرجام، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۸۸.

بمب‌گذاری، گسترش ناامنی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم ایران از جمله اقدامات آمریکا و متحدانش برای انتقام از ملت مقاوم و استکبارستیز ایران است. این اقدامات عمدتاً توسط افرادی صورت می‌گیرد که مستقیماً به وسیله آمریکایی‌ها و عوامل آن‌ها آموزش دیده‌اند. ایالات متحده آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی از گروهک‌های زیادی در این جهت استفاده کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها گروه تروریستی مجاهدین خلق، گروه تروریستی خلق عرب، گروه تروریستی خلق کرد، گروه تروریستی جندالله و... به‌شمار می‌روند. این گروه‌ها از ابتدای انقلاب تاکنون جنایت‌های زیادی را در پایتخت و نقاط حساس ایران انجام داده‌اند.

آن‌ها این جنایت‌ها را در دوره‌های مختلف با اهداف سیاسی، برنامهریزی و اجرا کرده‌اند به طوری که پس از فرار بنی‌صدر و اعضای گروهک منافقین به غرب، عده زیادی از انقلابی‌ها و مسئولان نظام با این روش به شهادت رسیدند. آن‌ها در زمان جنگ و در ایام انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به پایگاه‌های انتخاباتی و محل استقرار صندوق‌های رأی حمله کرده و مردم را به خاک و خون می‌کشیدند، پس از پایان جنگ نیز در نقاط حساس و پرتجمع شهرها بمب‌گذاری کرده و عده زیادی را به شهادت رساندند.

به‌طورمثال گروهک تروریستی منافقین با حمایت غرب در سال ۱۳۷۷، عملیات تخریبی جدیدی را از طریق بمب‌گذاری و خمپاره‌اندازی در سه نقطه تهران با عنوان «سراغاز مقاومت مسلحانه انقلابی» صورت داد که در میان واکنش‌ها و

آمریکایی‌ها غلط نمی‌توانند

کسانی که در نماز جمعه تهران بمب گذاشتند و جوانان و مردان ما را قطعه قطعه کردند، بدون این‌که آنها گناهی داشته باشند؛ کسانی که در مرکز حزب جمهوری اسلامی بمب گذاشتند و هفتاد و تن از اصیل‌ترین و شیواترین چهره‌های این کشور را نابود کردند و داغ آنها را به دل این ملت گذاشتند، تروریستند. امروز هم اگر می‌بینید خبری از بمب‌گذاری نیست، به این سبب است که نمیتوانند کاری بکنند. امروز هم اگر بتوانند، باز در میدانها، در خیابانها، در نمازها و در مجامع، بمب‌گذاری میکنند. تروریست اینها هستند. اینها کجا بیاوند؟ تروریست‌هایی که میدان راه آهن و میدان امام خمینی تهران را با بمب‌گذاری خودشان منهدم و منفجر کردند و بچه و بزرگ و زن و مرد را نابود کردند، امروز کجا زندگی میکنند؟ آنها در همین کشورهای اروپایی هستند؛ آنها در آمریکا هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۷۷/۰۱/۰۴



گروگان گیری:

یکی دیگر از اقدامات معرضان نظام سلطه و هم‌پیمانانش در جهت تضعیف و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران مسئله گروگان گیری است. این اقدامات خلاف عرف از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در قالب‌های گوناگون به‌طور مستقیم یا بازداشت، زندانی و شکنجه دیپلمات‌های ایرانی و یا غیرمستقیم با حمایت از گروه‌های تروریستی و تحریک آن‌ها به گروگان‌گیری صورت گرفته است.

در این رابطه تنها ۱۸۰ روز پس از تسخیر لانه جاسوسی و ۵ روز پس از شکست حمله نظامی به طیس در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ (۲۰ آوریل ۱۹۸۰) ۶ نفر از اعضای یک گروهک تروریستی با افعال دولت انگلستان به سفارت ایران در لندن حمله کرده و ۲۶ نفر را گروگان گرفتند. این قائله پس از ۶ روز در نهایت با شهادت دو نفر از کارمندان و زخمی شدن کاردار وقت سفارت ایران به پایان رسید.^[۱]

در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۶۱ سه دیپلمات ایرانی، احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم همراه کاظم اخوان، عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، در حالی که عازم محل کار خود در سفارت ایران در بیروت بودند، در مسیر راه به دست نیروهای حزب فلاله لبنان به اسارت درآمدند. این اتفاق در حالی به‌وقوع پیوست که این چهار نفر از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بودند و در ۱۰ روزنامه کیهان، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹.

پس از حمله آمریکا به عراق سربازان آمریکایی در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۸۵، طی عملیاتی از پیش طراحی شده شبانه به دفتر نمایندگی ایران در اربیل عراق هجوم برده و ۵ دیپلمات ایرانی را به گروگان گرفتند. در این هجوم آمریکایی‌ها همه امکانات انتقال پذیر این مرکز از جمله مدارک و رایانه‌های آن را به همراه خود منتقل کردند. اما در نهایت این دیپلمات‌ها پس از گذشت ۹۱۰ روز از اسارت، شکنجه و بازجویی در زندان آمریکایی‌ها، سرانجام در ۱۸ تیر ۱۳۸۸ بر اساس توافقنامه آمیتیتی بین دولت عراق و آمریکا، آزاد شدند.^[۲]

ایالات متحده آمریکا با حمایت از گروه تروریستی جنرالته و تحریک آن‌ها به خرابکاری و گروگان‌گیری در مناطق مرزی ایران و با بازداشت ایرانی‌های ساکن در آمریکا به بهانه واهی از جمله اتهام دوزدن تحریم‌های ایران و اتهام فروش تجهیزات نظامی و دوربین‌های مدار بسته به ایران، نهایت کینه و دشمنی خود را به اثبات رسانده است.

۲. روزنامه کیهان، ۱۸ دی ۱۳۹۰.



تجربه امنیتی

آمریکای هرج و مرج غلط نیست و از کتب



اشغالگران از سوئی نهضت‌های مقاومت مردمی در فلسطین و لبنان و دیگر نقاط را ترور یسم وحشی فرقه‌ئی و قومی را میان ملت‌های این منطقه سازماندهی و رهبری میکنند. منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا در دورانی طولانی و بیش از یک قرن، به دست دولتهای غربی انگلیس و فرانسه و دیگران و سپس به دست آمریکا استثمار و اشغال و تحقیر شدند؛ منابع طبیعی آنان غارت و روحیه‌ی آزادگی در آنان سرکوب شد و ملت‌های آنان گروگان طمع‌ورزی بیگانگان متجاوز شدند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۸۸/۰۹/۰۵



فتنه و نفوذ

فتنه در فرهنگ سیاسی اجتماعی به معنای آمیزش حق و باطل و پنهان کردن باطل در پوسته حق با هدف اغفال و فریفتن مردم برای رسیدن به مقاصد شوم است، همواره سیاستمداران ایالات متحده آمریکا از فتنه به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند. به‌طورکلی اگر بخواهیم تحولات پس از انقلاب اسلامی ایران را با محوریت کانون‌های فتنه و ریزش‌هایی که در هر کانون فتنه رخ داده، تحلیل کنیم باید بگوییم که نظام سلطه در طول چند دهه گذشته در پی جذب نیروهایی بوده است که به‌مرور از انقلاب و نظام ریزش کرده‌اند. تلاش نظام سلطه همواره این بوده تا با انجام بخشی به این گروه‌های متضاد و بالیدنولوژی‌های متفاوت که بسیاری از آنان نزاع دیرینه‌ای با یکدیگر داشته‌اند، جبهه واحدی از گروه مخالف را علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. در تحولات پس از انقلاب شاید بتوان به پنج کانون فتنه اصلی اشاره کرد که در هر کدام از آن موارد، بخشی از نیروهای سیاسی ریزش کرده‌اند. در سال ۱۳۵۸ مسئله نهضت آزادی و جریان‌های ملی‌گرا پدید آمد، در سال ۱۳۶۰ مسئله بنی‌صدر و سازمان مجاهدین خلق اتفاق افتاد، در اواسط دهه شصت و سرانجام در سال ۱۳۶۸ مسئله منتظری و جریان وابسته به او پیش آمد. در سال ۱۳۷۸ آشوب‌های ۱۸ تیر رخ داد و در سال ۱۳۸۱ و در خلال انتخابات ریاست جمهوری، کانون پنجم فتنه شکل گرفت که طی آن برخی نخبگان سیاسی بدون پندآموزی از سرنوشت برخی نیروهای ریزش کرده از انقلاب، دست به برخی رفتار غیرعقلانی زدند. البته باید به این فهرست، نیروهای سلطنت طلب و سکولار که از ابتدا به مقابله با انقلاب برخاستند را هم اضافه کرد. در واقع تلاش نظام سلطه همواره این

بوده است که در میان این جریان‌های متفاوت، نوعی همکاری مقطعی برای نفوذ و مقابله با جمهوری اسلامی ایجاد کند. با توجه به سیاست‌های ایالات متحده آمریکا مبنی بر حمایت از افراد فریب خورده، «کمیته خطر جاری CPD»، در اواسط سال ۲۰۰۶ طی گزارشی که مارک بالمر آن را تهیه و تنظیم کرده بود با ابراز تأسف از قطع رابطه ایران و آمریکا و تعطیلی سفارت آن کشور در ایران، از برپایی «دفتر حافظ منافع آمریکا در تهران» به عنوان یکی از راهکارهای ضروری یاد می‌کند که مأموریت اصلی آن ایجاد ارتباط و تماس با افراد و گروه‌های هدف در ایران خواهد بود. مرکز سابان وابسته به اندیشکده آمریکایی بروکینگز نیز طی گزارشی مفصل به راهکارهای انقلاب مخملی در ایران و حمایت از مخالفان نظام پرداخته و می‌گوید: «آمریکا باید از رهبرانی در انقلاب مخملی حمایت کند که توانمند باشند و توسط دستگاه امنیتی ایران خریداری نشوند. اما آمریکا در ایران سفارتخانه ندارد و امکان سازمان دهی رهبران و گروه مخالف داخلی را نداشته و ائتلاف‌های درون ایران را به سهولت درک نمی‌کند. جامعه اطلاعاتی آمریکا باید برای کسب اطلاعات از درون ایران به جست‌وجوی خود شتاب دهد» [۱].

فتنه‌گری‌های ایالات متحده فقط به اقدامات ضد امنیتی علیه ملت ایران ختم نمی‌شود، بلکه سیاستمداران آمریکا از هر فرصتی برای نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایران استفاده کرده‌اند که همواره همه این فعالیت‌ها را با روشنگری‌های رهبر معظم انقلاب، آگاهی و بصیرت ملت ایران، هوشیاری دستگاه‌های امنیتی و تعطیلی سفارت آمریکا با شکست مواجه شده است.

۱- حمیدرضا اسماعیلی، شورش اشرافیت بر جمهوری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۷ تا ۲۸۳.



تجارب امنیتی

آمریکای غافل و غیور از کتب

یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم میکند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران **فتنه**، در دوران ایجاد کودتاها، گوناگون - سیاسی و نظامی و امثال اینها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، غالب هم میشود، پیروز هم میشود، برو برگرد هم ندارد؛ کما اینکه در سال ۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۰/۰۴/۱۳



شورش و اغتشاش

نیز که معتقد به سیاست براندازی نرم و جنگ‌های نیابتی است در مصاحبه‌ای با «سی‌بی‌اس» گفت: «صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود... من قبلاً هم گفتم عمیقاً نگران انتخابات ایران هستم» [۱].

هفته‌نامه آلمانی «شوایتس» طی گزارشی تحت عنوان «ایران؛ آشوب‌ها را آمریکا مدیریت می‌کند» فاش می‌کند که آمریکایی‌ها «تلاش می‌کنند از درون بر ایران تأثیر بگذارند، به همین دلیل گروه مخالف را به شدت حمایت می‌کنند. مدیریت مطبوعاتی در جهان در خارج ایران است و نه در داخل آن، مرکز اصلی برای سقوط تهران، درواشنگتن است» [۲].

در راستای پروژه ایجاد آشوب و اغتشاش، دولت انگلستان نیز شش ماه پیش از انتخابات، شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی را راه‌اندازی کرد و در طول انتخابات و پس از آن به این وسیله سلامت انتخابات را زیر سؤال برد و با بهره‌گیری از تصاویر مغشوش، تحریک افراد به حضور در درگیری‌های خیابانی، قهرمان‌سازی و شهیدسازی‌های مکرر و سفارشی، مقایسه اغتشاشات ۸۸ با تحولات سال ۵۷ و اسانه ادب به ساحت مقدس امام حسین (ع) در عصر عاشورا، سعی در تضعیف و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران داشت [۳].

البته همه تلاش‌های آمریکا و غرب جهت ایجاد آشوب و تفرقه در نظام جمهوری اسلامی ایران همواره با بصیرت و حضور به‌موقع ملت ایران در وقایع پس از انقلاب چون حماسه ۹ دی یا شکست مواجه شده است.

۱. امیدرضا اسماعیلی، *شورش/سفرافیت بر جمهوری*، تهران: ۱۳۸۹، ص ۴۰.
۲. همان، ص ۴۱.
۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *نقش انگلیس در فتنه ۱۳۸۸*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲.

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون یکی از اقدامات ایالات متحده آمریکا و غرب جهت براندازی و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد شورش، هرج و مرج و اغتشاش در جامعه ایران بوده است. این مسئله همواره در دستور کار مؤسسات و نگاه‌های فکری و رسانه‌ای غرب بوده به‌گونه‌ای که آن‌ها از هر تحرکی در داخل ایران بهره‌برداری سیاسی کرده و درصد ایجاد و گسترش هرج و مرج‌های داخلی برآمده‌اند. از یازدهمین این اقدامات می‌توان به اغتشاشات سال ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه تهران و نیز فتنه سال ۱۳۸۸ پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اشاره کرد.

مداخلات ایالات متحده آمریکا در انتخابات سال ۱۳۸۸ ابعاد گسترده‌ای دارد به‌گونه‌ای که آن‌ها در آستانه فعالیت‌های انتخاباتی با برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده اقدام به برگزاری نظرسنجی‌های اینترنتی و تلفنی کردند. آن‌ها در جریان انتخابات با توجه به تجربه‌های گذشته ابتدا خود را بی‌طرف نشان دادند، ولی با نزدیک شدن به روز رأی‌گیری از طیف خاصی حمایت کردند. سیاستمداران آمریکا علاوه بر تخصیص منابع مالی، بسیج رسانه‌ای و مدیریت تشکیلات مخالف، پس از انتخابات نیز با تبلیغات گسترده در شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی پروژه تقلب در انتخابات را القا کرده و مردم را به هرج و مرج و آشوب دعوت کردند. روزنامه نیویورک تایمز در جهت افشای برخی مداخلات دولت اوباما در حوادث و آشوب‌های پس از انتخابات می‌نویسد: «روز دوشنبه (۲۵ خرداد ۱۳۸۸) یک کارمند ارشد وزارت خارجه آمریکا با ارسال ایمیلی به مدیران شبکه اجتماعی توئیتر خواهان به تعویق انداختن تعمیرات برنامه‌ریزی شده این پایگاه اینترنتی شد تا از این طریق مخالفان بتوانند بدون وقفه اطلاعات لازم درباره تظاهرات خیابانی را بین خود و جهان ردوبدل کنند». اوباما



تجاج امنیتی

آمریکایی‌ها غلط نیست‌اند

البته این را قطعاً عرض می‌کنم که دشمن با همه برنامه‌ریزی‌هایش، مردم ما را نشناخته، ملت ایران را نشناخته؛ اشتباه می‌کنند. دیدید در سال ۸۸ خطا کردند و آن فتنه را راه انداختند و کار را به جاهایی رساندند که به خیال خودشان جاهای بسیار باریک و حساس و دقیقی بود، [اما] ناگهان حرکت عمومی نهم دی همه را مبهوت کرد. این حرکت نهم دی سال ۸۸ از جنس همان حرکت نوزدهم دی شماها در سال ۵۶ است. رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۵/۱۰/۱۹



- تهاجم امنیتی: دخالت مستقیم
- تجزیه ایران
- کودتای نوژه
- حمایت از گروهک‌ها
- لانه جاسوسی
- ستون پنجم
- ترور
- بمب‌گذاری
- گروگان‌گیری
- فتنه و نفوذ
- شورش و اغتشاش
- حمایت از آشوب
- جنگ اینترنتی
- حملات سایبری



WORLD

44 COMMENTS

Getting Close to Terror, but Not to Stop It

Port Authority Officer Kept Sources With Ties to Iran Attacks

By JAMES RISEN and MATT APUZZO NOV. 6, 2014



A detective based in Newark cultivated contacts with Jundallah, responsible for a lethal attack on a bus in Iran in 2007. Islamic Republic News Agency, via Reuters



WASHINGTON — After a car bombing in southeastern Iran killed 11 Revolutionary Guard members in 2007, a C.I.A. officer noticed something

Share

حمایت از گروه تروریستی جندالله:

یکی دیگر از اقدامات آشکار ایالات متحده آمریکا برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران، حمایت، آموزش و تجهیز گروه تروریستی جندالله است. این گروه سال‌ها با حمایت آمریکا در منطقه سیستان و بلوچستان دست به جنایت زده و مردم را به خاک و خون کشیده است. درباره حمایت‌های آمریکا از گروه تروریستی جندالله «سیمور هرش»، پژوهشگر و خبرنگار جنگی هفته‌نامه نیویورک که سابقه افشای زندان ابوغریب را در پرونده‌اش دارد، می‌نویسد: «آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار به گروه‌های شبه‌نظامی از جمله جندالله داده است تا به منظور براندازی دولت ایران فعالیت کنند». او عنوان می‌کند: «طرح کمک مالی ۴۰۰ میلیون دلاری آمریکا در قالب طرحی از سوی دولت بوش برای پرداخت به گروه‌های معاند نظام جهت انجام اقدامات خرابکارانه تهیه شده است». وی فاش می‌کند که «این کمک‌های مالی قرار بود در اختیار فرقه تروریستی مجاهدین خلق و جندالله قرار گیرد». در همین حال شبکه خبری ای‌بی‌اس آمریکا گزارش داد: «آمریکا به طور مخفیانه مشاور و مشوق گروه افراط‌گرای مسلح جندالله است». به گفته این شبکه، «آمریکا از سال ۲۰۰۵ روابط محکمی با عبدالملک ریگی، رهبر این گروه داشته است».

تدارکات لجستیکی، بخشی از حمایت‌هایی است که مقام‌های آمریکایی وعده آن را به عبدالملک ریگی دادند. وی در نخستین اعترافاتش پس از دستگیری، در شبکه تلویزیونی پرس‌تی‌وی از دیدار خود در دبی با عوامل سازمان جاسوسی سیا خبر داد و گفت: از طرف آمریکایی‌ها وعده هرگونه همکاری را دریافت کرده و حتی به او قول در اختیار نگاردن پایگاه‌های تسلیحات نظامی در نزدیکی مرز ایران داده شده است. ریگی اضافه می‌کند که بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، عوامل آمریکایی در شهر کوبته پاکستان

بار دیگر با وی ارتباط برقرار کردند. وی زمان این ملاقات را بعد از درگیری هدفم آسند عنوان کرد که در نزدیکی زاهدان روی داده بود.

ریگی به نقل از عوامل سیا اعتراف می‌کند که سازمان جاسوسی آمریکا بر این باور است که گروه جندالله قدرت به چالش کشیدن نظام را در منطقه دارد و می‌تواند جمهوری اسلامی را با مشکل مواجه کند. بر اساس اعترافات ریگی، سیا آماده هرگونه همکاری در زمینه آموزش‌های نظامی و امنیتی با گروه جندالله بوده است.

حمایت‌های رسانه‌ای را نیز در دستور کار خود داده بود، به‌گونه‌ای که تلویزیون صدای آمریکا در اقدامی عجیب و در جهت مشروعیت بخشی به این گروه در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۸۵ نام گروه جندالله را به «جنبش مقاومت مردمی ایران» تغییر داده و با ریگی مصاحبه کرده و به او می‌گوید: «تور هر جنبش مقاومت مردمی ایران هستی». ریگی که بنا به مستندات عینی و با توجه به گفته‌های خودش ده‌ها نفر را شخصاً سر بریده است، در این مصاحبه می‌گوید: «ما تروریست نیستیم و این رژیم ایران است که ما را تروریست نامیده است». مجری این شبکه در ادامه می‌گوید: «ریگی جان! ما خیلی با تو احساس هم‌بستگی می‌کنیم». حمایت‌های رسانه‌ای آمریکا از گروه جندالله در حالی صورت می‌گیرد که این گروه مسئولیت حمله انتحاری در شهرستان سرباز، جنایت تاسوکی، جنایت دازین، ترور مأموران نیروی نظامی، گروگان‌گیری سراوان، بمب‌گذاری در مسجد علی‌ابیطالب (ع) و... را پذیرفته و به آن اعتراف کرده بود. [۱]

۱- حمید کوهکی، گروهک تروریستی جندالله، تهران: خیرگزاری فارس، ۱۳۹۳، ص ۴۴ تا ۵۱.

تجربه امنیتی

دولت‌های اروپایی که این همه ادعای ضدیت با تروریسم و طرف‌داری از حقوق بشر و این حرف‌ها را با صدای بلند می‌گویند و خودشان را صاحب ماجرا و صاحب قضیه میدانند، این سؤال از آنها آبی پاسخ است که چرا آغوش باز کردند و قاتلان این ملت را در آغوش گرفتند؟ چرا اینها را پناه دادند؟ چرا اینها را به دولت جمهوری اسلامی تسلیم نکردند که حکم الهی را در باره‌ی اینها جاری کند؟ چرا! این رسوایی بزرگ حکومت‌های غربی و دولت‌های اروپایی و آمریکا در این قضیه، یک حادثه‌ی تاریخی است؛ این خیلی امر مهمی است، از این نمیشود به آسانی گذشت و تاریخ از این حادثه نمیگذرد؛ این یک طرف قضیه است. یک طرف قضیه، خود این تروریست‌ها؛ اینها کسانی هستند که به‌عنوان **دفاع از خلق**، بعضی‌هایشان **حتی دفاع از اسلام**، وارد ماجرای مبارزات شدند و این افتضاح را، این فاجعه‌آفرینی را در پرونده‌ی خودشان ثبت کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۹۵/۰۴/۰۵



جنگ اینترنتی:

در اواخر دهه ۱۹۶۰، وزارت دفاع آمریکا تشخیص داد دولت این کشور به شبکه‌های کامپیوتری خود بسیار وابسته است و این سؤال مطرح شد که اگر دشمن در حمله‌ای هسته‌ای به شبکه‌های کامپیوتری ملی آسیب برساند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بنابراین وزارت دفاع آمریکا نوع جدیدی از شبکه‌های بزرگ را طراحی کرد که حتی اگر یکی از بخش‌های آن از کار می‌افتاد باز هم می‌توانست به کار خود ادامه دهد و آنچه کل این شبکه عظیم را به هم ارتباط می‌داد مجموعه TCP/IP نامید. پس از ابداع این فناوری به سرعت اینترنت در سطح جهان گسترش پیدا کرد تا اینکه برای نخستین بار در سال ۱۳۷۱ توسط مرکز تحقیقات فیزیکی نظری و ریاضیات وارد ایران شد.

هرچند اینترنت در آغاز ورود به ایران با بخش دولتی تماس برقرار کرد اما ویژگی آزادمندی و قدرت رهاکنندگی اینترنت به سرعت آن را از پشت‌درهای بسته دولتی به میان بخش‌های خصوصی و مردم آورد. این ناهماهنگی و ناهمگونی رشد اینترنت در ایران به‌طور طبیعی آثار منفی را نیز با خود به همراه داشت که موضوع امنیت شبکه از مهم‌ترین آثار و نتایج رشد سریع اینترنت به‌شمار می‌رود.

سال‌های اخیر میزان حمله برسایت‌های اینترنتی ایرانی رو به افزایش گذاشته به‌گونه‌ای که حک‌شدن‌های متوالی و حملات هشداردهنده متعدد برای بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و بخش‌های خصوصی مشکلاتی را به‌وجود آورده و در برخی اوقات بسیاری از سایت‌ها را مجبور به تغییر سرور کرده است. به‌عنوان مثال در یکی از حملات اینترنتی ۳۵۰ سایت اینترنتی



۱. حمید ضیائی‌نور، جنگ نرم، ویژه جنگ رایانه‌ای، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴.
 ۲. همان، ص ۳۱۴.



آمریکای هوش مخفی غیبی از کتب

در سخت‌ترین شرایط تحریم، کشور پیشرفت کرده. در چه چیزی پیشرفت کرده؟ یکی در مقوله‌ی علم و فناوری... ما در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کردیم، در زمینه‌ی فناوری زیستی پیشرفت کردیم، در فناوری نانو پیشرفت کردیم، در فناوری انرژی‌های نو پیشرفت کردیم، در صنایع هوافضا پیشرفت کردیم، در ساخت ابررایانه‌ها پیشرفت کردیم، در مسئله‌ی بسیار مهم سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۰/۰۵/۱۶



- حمیات از اشرار
- فتنه و نفوذ
- شورش و اغتشاش
- گروگان‌گیری
- بمب‌گذاری
- ترور
- ستون پنجم
- حمایت از گروهک‌ها
- کودتای نوزده
- لاشه جاسوسی
- تجزیه ایران
- دخاله مستقیم
- تهاجم امنیتی:

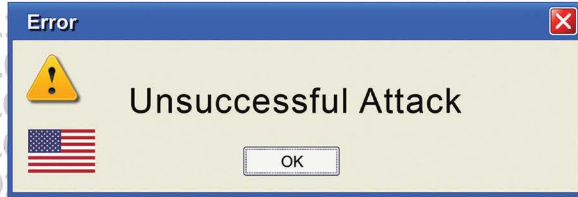
جنگ اینترنتی



حملات سایبری به تأسیسات هسته‌ای:

ایالات متحده و اسرائیل نخستین جنگ سایبری دولتی در تاریخ را علیه برنامه هسته‌ای ایران طرح‌ریزی کرده‌اند. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، رئیس‌جمهور اواما از نخستین ماه‌های ریاستش فرمان تشدید حملات سایبری علیه ایران را صادر کرد. منابع خبری به مجله تایمز گفتند که حمله سایبری ایالات متحده به‌عنوان بخشی از عملیات خرابکارانه‌ای است که (Olympic Games) نام دارد و پروژه مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران است.

در پی گزارش نیویورک تایمز، رهبران و کمیته اطلاعاتی سنای مباردت به انتشار بیانیه‌ای کردند که طی آن اعلام شد: «ما به شکل فزاینده‌ای از نشست مستمر، برنامه‌ها و اقدامات حساس اطلاعاتی که شامل جزئیات کامل منابع و روش‌ها است، نگران شده‌ایم». جمهوری خواهان، کاخ سفید را به نشت عامدانه اطلاعات با هدف تقویت تصویر اواما برای انتخابات ریاست جمهوری متهم کردند. رئیس‌جمهور اواما همه این اتهامات را رد کرد و گفت: «این فکر که کاخ سفید تحت اداره من اطلاعات طبقه‌بندی شده امنیت ملی را به شکل عامدانه لو دهد، فکراشتباهی است». اما باکمال تعجب دولتمردان آمریکا موضوعات مطرح شده در گزارش نیویورک تایمز را انکار نکردند. براساس گزارش‌های مجله گاردین، دو آزمایشگاه بزرگ امنیتی «Kaspersky» و «Symantec» سلاح‌های قدرتمند سایبری را علیه اهدافی خاص نظیر برنامه هسته‌ای ایران و بانک‌های لبنانی



۱- سیدحسین موسویان، ایران و آمریکا، تهران: تبس، ۱۳۹۴، ص ۹۱ تا ۹۲.
 ۲- باشگاه خبرنگاران جوان، www.zjc.ir، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۲، خبر: ۴۳۸۵۰۲.



کتابچه امنیتی

برنامه‌ریزی کردند؛ حتی از ابزارهای خباثت‌آمیزی که در همه‌ی دنیا ممنوع است، برای متوقف کردن حرکت علمی ما استفاده کردند. این استاکس‌نت که دو سه سال قبل از این فرستادند داخل تشکیلات سایبری جمهوری اسلامی، میتوانست تمام تشکیلات هسته‌ای ما را از بین ببرد؛ این کار، جنایت است؛ یعنی یک جنایت شناخته‌شده بین‌المللی است و میتوان گریبان صاحبان این جنایت را در دادگاه‌های بین‌المللی گرفت؛ متأسفانه ما نگر فیتیم؛ تا اینجاها اینها دست زدند. با پیشرفت علمی که توانمندی علمی است، بشدت مخالفند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۱۳۹۵/۰۳/۲۵





تسخیر لانه جاسوسی
تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام



مبارزه با تروریسم
شناسایی و اتهام گروه های تروریستی



امنیت شبکه
پنجمین قدرت برتر سایبری دنیا.



امنیت داخلی
امن ترین کشور در منطقه خاورمیانه



حفظ تمامیت ارضی
کنترل مرزهای جغرافیایی و حفظ تمامیت ارضی

راهبردهای امنیت پایدار

آمریکاه هیچ غلطی نمی تواند بکند



امنیت پرواز
جزء امن ترین و بهترین خطوط هوایی دنیا



براندازی شبکه های جاسوسی
شناسایی و دستگیری عوامل شبکه های جاسوسی



مبارزه با اشراک
مبارزه با اشراک مسلح و شبکه های قاچاق



چلوگیری از نفوذ
چلوگیری از نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دشمن



کشف و خنثی سازی
کشف و خنثی سازی محموله های انفجاری

آمریکاه هیچ غلطی نمیتواند بکند



بحمدالله کشور امروز یک سپر امنیتی محکمی دارد. خب شما نگاه کنید، دُوروبر ما ببینید چه خبر است. شرق ما افغانستان است و آن حوادث و پاکستان و اینها، غرب ما این کشورهای همسایه ی عربی و عراق و سوریه و یمن و این حوادثی که در این منطقه ی غرب آسیا در جریان است و حادثی که پیرامون ما در لیبی و مثلاً مصر و بقیه ی جاها هست، وقتی انسان اینها را نگاه میکند، میفهمد که چه قدر نعمت بزرگی است این امنیتی که امروز ما بحمدالله داریم. این سپر امنیتی، خوشبختانه کشور را فراگرفته که از این آسیب های امنیتی محفوظ است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای مد ظله العالی - ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

- تهاجم امنیتی: دخالت مستقیم
- تجزیه ایران
- کودتای نوژه
- حمایت از گروهک ها
- ستون پنجم
- ترور
- بمب گذاری
- گروگان گیری
- شورش و اغتشاش
- فتنه و نفوذ
- حمایت از اشراک
- جنگ اینترنتی
- حملات سایبری





اقتدار معنوی

به ناوشان صدمه خورد، به بالگردشان صدمه خورد، به نفت کششان صدمه خورد؛ فهمیدند جمهوری اسلامی آن موجودی نیست که بتوانند با سرنوشت او هر جور می خواهند بازی کنند؛ این اقتدار معنوی نظام جمهوری اسلامی است. اینکه قرآن به ما امر می کند: «وَاعْتَدُوا لَهُمْ مَا اسْتَقَلَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَبْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوٌّ لِلّٰهِ وَعَدُوٌّكُمْ»، بایست حضور شما، وضعیت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار زعجب کند. دشمن متجاوز بالظبح است... اگر خاکریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ می کند؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمی تواند نفوذ کند.

رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۴/۷/۱۵)

تهاجم نظامی

روایتی از حملات نظامی ایالات متحده آمریکا

آمریکاییان غلط گفتند ایران کذب

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع **آمریکای** جهان خوار، این **دشمن** کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشانند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه **آمریکا** شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ **ستمکاران**، پرچم توحید را در جهان بیفرازند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با **آمریکای جنایتکار** است، ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

حضرت امام خمینی (ره) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۹



- تهاجم نظامی: حادثه طبس • تحریک صدام • حمایت همه جانبه • تسلیحات شیمیایی • عملیات استانج • جمعه خونین • قایق های گشتی • ایران اجر • سکوهای نفتی • ناوهای جنگی • هواپیمای مسافربری • عملیات مرصاد • حریم هوایی • تهدیدات نظامی



عملیات پنجه عقاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد فتنه و جاسوسی در سفارت آمریکا که منجر به تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام شد، آمریکایی‌ها برای حل این بحران پیش‌شرط امام خمینی (ره) برای مذاکره و تحویل شاه به ایران را نپذیرفتند و به جای تمکین در برابر خواست ملت بزرگ ایران، گزینه نظامی را انتخاب کردند.

بر اساس برنامه‌ریزی که «برژینسکی»، مشاور امنیت ملی آمریکا تنظیم کرده بود، گروه ویژه‌ای به نام دلتا برای حمله به ایران و آزادسازی گروگان‌ها، سازمان‌دهی شده بودند. آن‌ها نام این عملیات را پنجه عقاب نهادند. بیشتر مسئولان دولت وقت آمریکا در این کار شرکت داشتند و هرکس اطلاعاتی در مورد ایران داشت در اختیار گروه دلتا قرار می‌داد. آمریکایی‌ها پس از بررسی‌های فراوان و با اتکا به عناصر ضدانقلاب و وابسته به رژیم منحوس محمدرضاشاه، که همچنان در داخل کشور به توطئه اشتغال داشتند، در حمله نظامی به ایران مصمم شدند و سرانجام در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ با نیروهای کماندوی ویژه و با تجهیزات نظامی بسیار قوی به همراه ۱۴ هلی‌کوپتر و هواپیمای پیشرفته، شامل ۳ هواپیمای حمل سوخت، ۳ هواپیما برای حمل نظامیان و ۸ هلی‌کوپتر، برای انجام عملیات درون خاک ایران آماده شدند.

طبق برنامه‌ریزی‌های ازپیش تعیین شده، قرار بود نیروهای ویژه پس از ورود شبانه به فضای ایران توسط هواپیماهای

۱. هامیلتون جوردن، بحران، ترجمه محمود مشرفی، تهران: هفته، ۱۳۶۲، ص ۱۶۵.
۲. صادق سلیمی‌بنی، ارفغان دمکراسی، تهران: معارف، ۱۳۸۷، ص ۲۷.



تهدید نظامی

در جریان حمله نظامی آمریکا به ایران

آمریکای با آن هیمنه و با آن عظمت، ناگهان در چشم ملت‌ها فروکش کرد. کار به جایی رسید که رئیس‌جمهور آمریکا برای نجات این گروگان‌ها دست به حمله‌ی نظامی پنهانی و شبانه به ایران زد. جاسوسانشان را در اینجا بسیج کردند، مقدمات فراوانی فراهم کردند، آدم دیدند، جا دیدند، با هلی‌کوپتر و هواپیما حمله کردند، آمدند که طیس پیاده شوند و از آنجا بیایند و به خیال خودشان گروگان‌ها را خلاص کنند و ببرند؛ که آن ماجرای معروف طیس اتفاق افتاد، خدای متعال آبروی اینها را برد، هواپیماها و هلی‌کوپترهاشان آتش گرفت و مجبور شدند از همان طیس برگردند و بروند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۹/۰۸/۱۲



تحریک صدام برای حمله به ایران

ایالات متحده آمریکا که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و ناتوانی در جلوگیری از سقوط مهم‌ترین متحد استراتژیک خود و در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی، در سطح جهان و منطقه به شدت بی‌اعتبار و تحقیر شده بود، برای بازسازی اعتبار و بازیابی قدرتش در منطقه، عراق را ترغیب و تهییج کرد تا به جمهوری اسلامی ایران هجوم آورد.

در این رابطه «تیمرمن»، از کارشناسان ارشد کنگره و کاخ سفید آمریکا در کتاب سوداگری مرگ، حقایق را چنین بازگو می‌کند: «سناتور استفن سولاز نخستین شخصیت خارج از دولت کارتر بود که پی برد دولت ایالات متحده تا چه حد به اتحاد استراتژیک با عراق نزدیک شده است. سولاز در سال ۱۹۸۲ در بغداد با صدام حسین ملاقات کرد و صدام دلایل عراق را در ایجاد پیوندهای مستحکم‌تر با واشنگتن برایش تشریح نمود. او چند ماه قبل از اعلان جنگ با ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ گفت که وی با شورای فرماندهی انقلاب عراق تمامی مسائل مربوط به مناسبات با ایالات متحده را مورد بازبینی قرار داده است. با عطف توجه بغداد به سوی واشنگتن و تمایل دوستانه واشنگتن به بغداد، راه برای دیدار مقامات دو کشور هموار شده بود. برای نخستین بار در تاریخ حزب بعث عراق، یکی از نمایندگان آن حزب با یک مقام رسمی دولت ایالات متحده دیدار کرد.»

۱. کیت آر تیرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد ندین، تهران: رسا، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴ تا ۱۶۳.



تهدید نظامی

تهدید نظامی

چهل سال است که این چالش بین ایران اسلامی و آمریکا ادامه دارد، و انواع و اقسام تحرکات هم از سوی دشمن در این چهل سال اتفاق افتاده است. شماها خیلی از این حوادث را البته نبودید، حضور نداشتید، شاهد نبودید، اما شنیده‌اید یا خوانده‌اید. من حالا فقط اشاره میکنم؛ مثلاً جنگ نظامی، حرکت نظامی در این مدت از سوی آمریکا اتفاق افتاد به صورت‌های مختلف، که بدترینش **تحریک صدام حسین** بود که به ایران حمله کند؛ **تحریکش** کردند، به او قول دادند، قول کمک دادند، کمک هم کردند، هشت سال کشور را درگیر جنگ کردند؛ این مثلاً [یک نمونه]: البته تودهنی خوردند، شکست خوردند، عقب نشستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای مدظله العالی - ۱۳۹۷/۰۸/۱۲



حمایت‌های همه جانبه از صدام

ایالات متحده آمریکا جهت جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران به سایر نقاط، پس از تحریر صدام برای حمله به ایران، کمک‌های گسترده‌ای در قالب حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و تسلیحاتی در طول جنگ به عراق اعطا کرد. آمریکا با تحویل اطلاعات سری ایران به عراق، اطلاعات مربوط به حمل و نقل نیروهای ایرانی و موقعیت کشتی‌ها در خلیج فارس از طریق ماهواره‌ها و آواکس‌های (هواپیماهای جاسوسی) مستقر در عربستان و نیروهای ستون پنجم در ایران، همواره از عراق حمایت می‌کرد. روزنامه واشنگتن پست در شماره ۱۵ دسامبر ۱۹۸۶ در مقاله مفصلی با عنوان «سیا در جنگ خلیج فارس به عراق کمک می‌کند» تأکید کرد که سیا از سال ۱۹۸۴ احتمال پیروزی ایران بیشتر شده بود، ارتباط منظمی را میان مقام‌های بلندپایه آمریکا و عراق برقرار کرده و از طریق عکس‌های ماهواره‌های جاسوسی خود که در آن، محل دقیق نیروگاه‌های برق، پالایشگاه‌های نفت و تأسیسات نفتی ایران مشخص شده بود به عراق کمک می‌کرد. همچنین روزنامه لس‌آنجلس تایمز بعدها آشکار کرد که جرج بوش، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اطلاعات استراتژیک نظامی را شخصاً در اختیار صدام قرار می‌داده است.

آمریکا با اعطای اعتبارهای مالی کلان به عراق، تضمین

۱- بهرام نواز، *الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱ تا ۱۸۴.

پرداخت بدهی‌های آن در اواسط جنگ و کمک‌های اعتباری کمیته همکاری اعتباری کالا (CCC)، وام‌های مورد نیاز عراق را تأمین، نگرانی‌های طلبکاران عراق را برطرف و فرصت بیشتری برای خریدهای جدید عراق فراهم می‌کرد. آمریکا پس از حذف نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم، ممنوعیت صادرات به عراق را برطرف و امکان فروش تسلیحات به عراق را فراهم کرد. دولت ریگان با فروش سلاح‌های نظامی به کشورهای حامی عراق در خلیج فارس به آن‌ها اجازه می‌داد تا امکانات خود را در اختیار عراق بگذارند. این مجوز با توجه به تخریب بندر بصره و بازرسی محموله‌های مشکوک عراق توسط ایران در تنگه هرمز صورت می‌گرفت. بدین ترتیب یا تأیید ریگان، کشورهای هم‌پیمان آمریکا در منطقه، خط مقدم فروش تسلیحات آمریکایی به عراق را بر عهده گرفته بودند. در این راستا آمریکا با کمک‌های بی‌واسطه و با واسطه، ارسال هلی‌کوپترهای پیشرفته نظامی دی-۵۰، دبل‌تاپ ۳۰۰ سی، هیو، اف-۵۳، اس‌تی ۲۳۱، تانک‌های ام-۶۰، سلاح‌های سنگین و شیمیایی، بمب‌های خوشه‌ای و بی‌هوش‌کننده و انتقال فناوری‌های نظامی و موشکی، تمامی نیازهای جنگی عراق را تأمین می‌کرد.^[۱]

تهدید نظامی

تهدید نظامی

همیشه **آمریکاییها** پشت سر صدام بودند و به او کمک میکردند - کمک مالی، کمک تسلیحاتی، کمک کارشناسی سیاسی - خبرهای ماهوارهای میدادند و امکانات خبررسانی داشتند. تحرک نیروهای ما را در جبهه در **ماهواره‌ها** ایشان ثبت میکردند، بعد آن را همان شبانه برای قرارگاه‌های صدام میفرستادند که از آنها علیه جوانهای ما و نیروهای ما استفاده کند. در مقابل **جنایات صدام** چشمه‌هایشان را بستند. فاجعه‌ی حلبچه اتفاق افتاد، زدن شهرهای متعدد کشور ما با موشک اتفاق افتاد، خانه‌ها را خراب کردند، در جبهه‌ها شیمیایی به کار بردند، چشمه‌هایشان را بستند، اصلاً و ابداً تعرضی نکردند، به صدام کمک کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۸/۰۱/۰۱



- تهدیدات نظامی
- حریم هوایی
- عملیات مرصاد
- هواپیمای مسافربری
- ناوهای جنگی
- سکوهای نفتی
- قایق‌های گشتی
- ایران اجر
- جمعه خونین
- عملیات استانتاج
- تسلیحات شیمیایی
- حمایت همه جانبه
- تحریر صدام
- حادثه طبس
- تهدید نظامی

ارسال تسلیحات شیمیایی به صدام

جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران که با حمایت و چراغ سبز آمریکا در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) آغاز شده بود، با مقاومت سرسختانه ایران، وارد مرحله جدیدی از اقدامات نظامی علیه مردم ایران شد. رژیم صدام با حمله شیمیایی به ۵۰ کیلومتری ایلام، برای اولین بار از سلاح شیمیایی و کشتار جمعی استفاده کرد. در واکنش به حملات شیمیایی عراق، وزارت خارجه ایران در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ طی نامه رسمی به دبیرکل سازمان ملل درخواست بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی عراق در جنگ با ایران را مطرح کرد که در مارس ۱۹۸۴ گروه اعزامی سازمان ملل، استفاده عراق از سلاح شیمیایی در مناطق عملیاتی طلائی و جزایر مجنون را تأیید کرد. [۱] اما علی‌رغم گزارش صادره توسط هیئت اعزامی سازمان ملل متحد که استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را تصریح کرده بود، شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فشار آمریکا نتوانست عراق را به دلیل این اقدامات محکوم کند و با عدم اعمال تحریم مالی و نظامی عراق، باعث جسور شدن رژیم صدام شد. در طول جنگ تحمیلی، رژیم بعثی عراق طی هفت مرحله، ۵۲۲ نوبت حملات شیمیایی و میکروبی به مناطق مختلف ایران و شهرهای مرزی هم‌جوار انجام داد که منجر به شهادت ۱۷۲۵۰ نفر و مصدوم شدن ۱۲۷ هزار نفر شد. [۲]

۱. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹.
۲. خبرگزاری ایگنا، www.igna.ir، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴، خبر شماره ۳۲۲۹۲۳۰.

۳. کنت آر تیرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲ تا ۲۷۳.
۴. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، *دعای ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، ۱۳۸۲، ص ۴۹۹.

تهدید نظامی

حمله به غلظت غنی‌انربند

همین دولت آمریکا و رژیم ایالات متحده، در حملات جنایت‌کارانه‌ای که صدام به ایران می‌کرد و سلاح شیمیایی به کار می‌برد، نه فقط کوچک‌ترین مخالفتی با آن نکردند، بلکه پانصد تن ماده‌ی شیمیایی مرگ‌آور و خطرناک قابل تبدیل به گاز خردل را - که هنوز بسیاری از جوانهای عزیز آن روز ماموت‌لا به عوارض آن آهستند و سالهاست دارند بیماری میکشند - صدام از آمریکا وارد کرد؛ کمک کردند؛ البته از جاهای دیگر هم خریده بود، اما پانصد تن ماده‌ی شیمیایی مرگ‌آور قابل تبدیل به گاز خردل را صدام از آمریکا تهیه کرد و به کار برد؛ بعد هم که میخواستند علیه او در شورای امنیت قطعنامه صادر کنند، آمریکا مانع شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۲/۰۸/۲



عملیات استانچ

آمریکا در طول جنگ تحمیلی ایران و عراق، از یک طرف بیشترین حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی خود را به رژیم صدام اختصاص داده بود و از طرفی با ارسال هرگونه سلاح به ایران مخالفت می‌کرد. در این راستا پس از پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲، بنیاد «هریتچ» آمریکا طرحی را مبنی بر از بین بردن «اصل امید» به ریگان، رئیس‌جمهور آن کشور ارائه کرد. این سیاست به منزله تشدید فشار بر ایران و ناامید کردن از دست‌یابی به پیروزی در جنگ بوده و بر چند اصل استوار بود که یکی از اصول آن اجرای عملیات «استانچ» با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران بود. این عملیات از پائیز ۱۹۸۳ شروع شد، به این ترتیب که آمریکایی‌ها با جمع‌آوری اطلاعات در مورد خرید سلاح و وسایل نظامی توسط ایران، از طریق دولت یا واسطه‌ها و یا بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند و یا بعضاً اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می‌کردند. این اقدام آمریکایی‌ها چند هدف را به دنبال داشت: اول اینکه مسیر دست‌یابی ایران به سلاح طولانی‌تر می‌شد و دوم اینکه سلاح‌ها با قیمت بالاتر خریداری می‌شد، ضمن اینکه برخی از این وسایل از زده خارج بوده و فاقد کیفیت لازم بود. در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در مورد تأثیر عملیات استانچ آمده است: تحریم فروش تسلیحات علیه ایران در توانایی این کشور به ادامه جنگ تأثیر محسوس داشته است.

از نظر عراقی‌ها تحریم فروش تسلیحات احتمالاً مهم‌ترین علت گرمی روابط ایالات متحده با عراق است. [۱]. «تیمرسن»، از کارشناسان ارشد کنگره و کاخ سفید آمریکا در توضیح این عملیات چنین می‌نویسد: «رامسفلد پس از دیدار با صدام حسین و طاروق عزیز، برنامه‌ریزان سیاست آمریکا را متقاعد کرد که به هر نحو ممکن جلوی صدور اسلحه به ایران را بگیرند». «تام میلر»، یکی از دیپلمات‌های هیئت همراه رامسفلد در بغداد می‌گوید: «این فکر قبلاً هم مطرح شده بود، اما حالا دیگر وقت آن رسیده بود که فکر به مرحله عمل درآید، چون در صورت تداوم جنگ، تنها برنده در این مرحله، ایران بود».

عملیات جلوگیری از ورود اسلحه به ایران، عملیات استانچ نام گرفت. مسئولیت این امر به یکی از طرفداران اعراب در وزارت امور خارجه آمریکا به نام «ریچارد فرینکز» واگذار شد. «چارلز پاتریزا»، وکیل حقوقی وزارتخانه و «جیمز بلیک»، معاون دستیار وزارتخانه در امور خلیج فارس نیز فرینکز را در مأموریتش یاری می‌دادند. هدف این بود که با قطع صدور اسلحه، ایران را تضعیف کنند. تیمرسن در ادامه می‌نویسد: «برای صدام به راه‌افتادن عملیات استانچ خبر بسیار خوشی بود، آن چنان خوش که در آغاز، آن را اصلاً باور نمی‌کرده». [۲].

۱. مهدی قصریان، عملیات استانچ، تهران: امیری، ۱۳۸۹، ص ۵۶.
 ۲. کنت آر تیمرسن، سولگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳ تا ۲۸۵.

استمرار
روح اسلام انقلابی
در پرتو جنگ
تحقق یافت.
(علم عینسی ۹۹)



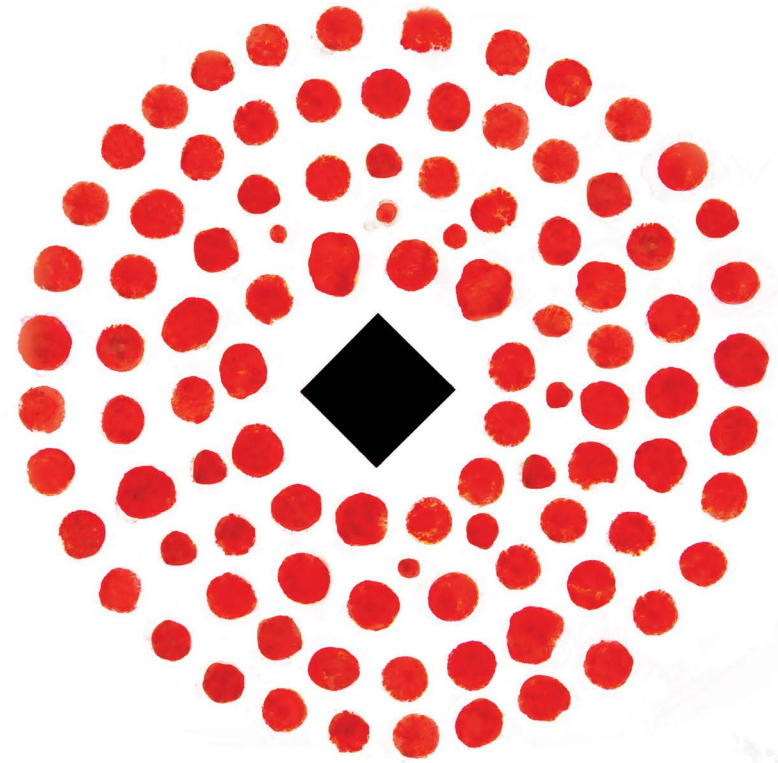
تعمیر نظامی

امروز هم غلط نیستون از کتب

زور گوهایی دنیا با شما لج افتادند و خیال کردند میتوانند شما را از پا بیندازند. روزی به ما سیم خاردار و گلوله آر. پی. جی هم نمیدادند؛ ولی شما توانستید از آن وضعیت خودتان را به این جابرسانید. امروز هم بگذار ندهند؛ چه اهمیتی دارد؟ اما علی‌رغم وجود آن سیاستها، کسانی که چشمشان دنبال پول و معامله است، در دنیا زیادند. آنها خیال میکنند که **تحریم تسلیحاتی** و ... مؤثر واقع میشود؛ خیر. ما در وسط جنگ و تحریم اقتصادی، چیزهای ممنوع و محرم و آن میوه‌های - به خیال آنها - بهشتی را از جاهای فراوانی به دست می‌آوردیم و امروز هم به دست می‌آوریم. گیرم که نتوانیم به دست آوریم، آنها را میسازیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۷۴/۰۷/۰۵





تهدید نظامی

درس‌های جنگ و غلبه غیورانه ملت

جمعه خونین

آمریکا دو روز پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، همپایی نفت‌کش‌های «کس پرنس» و «بریجتون» را با سروصدای زیادی تحت عملیات «اراده جدی» در منطقه آغاز کرد، اما نفت‌کش ۴۰۰ هزار تنی «بریجتون» با یک مین ۲۷۰ کیلویی برخورد کرد و خسارت زیادی را متحمل شد. یک هفته پس از این ماجرا اولین عکس‌العمل تند کشورهای حوزه خلیج فارس برابر موقعیت برتر ایران در منطقه در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۶۶ به وقوع پیوست. در این روز ۱۵۰ هزار زائر ایرانی خانه خدا که طبق رسم هر سال با هماهنگی قبلی با دولت عربستان مشغول برگزاری مراسم «برائت از مشرکان» در شهر مقدس مکه بودند، توسط نظامیان سعودی مورد حمله قرار گرفتند. این تهاجم وحشیانه که در راستای همسویی کشورهای عربی خلیج فارس با آمریکا صورت گرفته بود، ۴۰۰ شهید و هزاران مجروح را در پی داشت. کشتار حجاج ایرانی در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب بسیار گسترده‌ای داشت، به گونه‌ای که یک روز پس از این جنایت، روزنامه جمهوری اسلامی طی مقاله‌ای نوشت: «آل سعود می‌خواست شکست‌های مکرر آمریکا را با کشتار مسلمانان جبران کند و انتقام ناکامی‌های واشنگتن را از حجاج بیت‌الله الحرام بگیرد، لکن در عوض لکه تنگی ابدی به چهره کریه خود گذاشت و جنایتی را مرتکب شد که تاریخ هرگز مشابه آن را درباره زائران خانه خدا ثبت نکرده است» [۱].

امام خمینی رحمته در برابر این هجوم آشکار و ناجوانمردانه به صراحت آمریکا را مسئول این حادثه دانست و عنوان

۱. محمود یزدان قام، روزنامه جنگ ایران و عراق، اسکورت نفت‌کش‌ها، تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ج. ۵، ص. ۱۶۸.
 ۲. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۰، ص. ۳۴۹ تا ۳۵۴.

در آن حوادث تلخ - در حادثه‌ی جنگ، در حادثه‌ی هفتم تیر، در حادثه مکه و جمعه‌ی خونین - و در حوادث گوناگون دیگر، ملت ما نشان داد که در مقابل حادثه، دلیل نشده است؛ بلکه بر حادثه سوار شد، از حادثه به عنوان یک درس استفاده کرد، دشمنش را شناخت و فهمید که **استکبار جهانی** و نفاق خبیث، تا کجا با اسلام و قرآن و حاکمیت اسلامی، معارض و مخالف است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۶۹/۰۴/۰۶

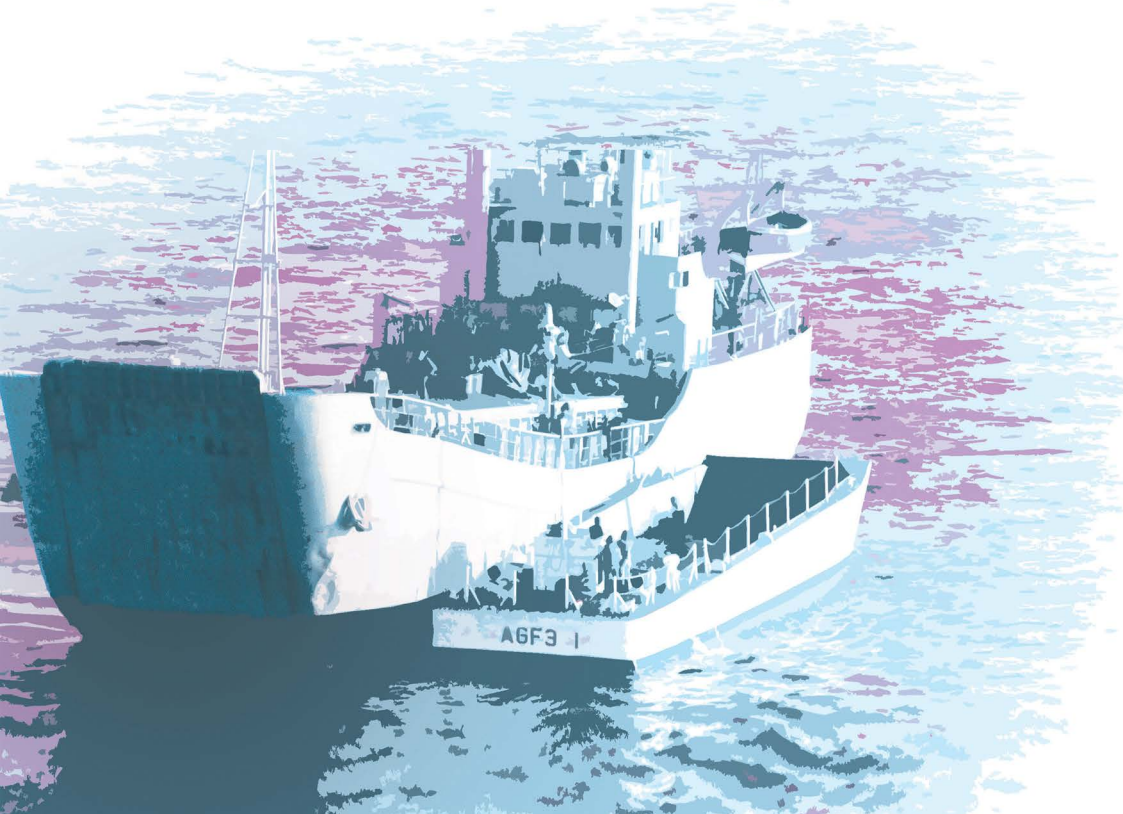


- تهدیدات نظامی
- حریم هوایی
- عملیات مرصاد
- هواپیمای مسافربری
- ناوهای جنگی
- سکوهای نفتی
- قایق‌های گشتی
- ایران اجبر
- جمعه خونین
- عملیات استانچ
- تسلیمات شیمیایی
- حمایت همه جانبه
- تحریک صدام
- حادثه طبس
- تهاجم نظامی:

حمله به کشتی ایران اجر

آمریکا پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ پرچم خود را بر کشتی‌های کویتی نصب کرد و کشتی‌های جنگی آن کشور نفتکش‌های کویتی را در خلیج فارس همراهی کردند. قصد آن‌ها از ورود نیروهای نظامی به خلیج فارس این بود که ضمن معرفی ایران به عنوان کشور جنگ طلب، قطعنامه خشنی را به تصویب برسانند که شامل مجازات علیه کشور متخاصمی شود که از اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خودداری کند. در مقابل، ایران نیز تلاش‌های دیپلماتیک خود برای تغییر و جابه‌جایی بندهای قطعنامه ۵۹۸ را انجام می‌داد. از این رو آمریکا در واکنش به تلاش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و به منظور تحت‌تأثیر قرار دادن سخنرانی رئیس‌جمهور ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل، در اقدامی تبلیغاتی در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶، کشتی تدارکاتی هشتصدتنی «ایران اجر» نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار داد. حمله به این کشتی که از بندرعباس به سوی بندر بوشهر در آب‌های بین‌المللی در حرکت بود، توسط دو فروند هلی‌کوپتر نظامی که از عرشه کشتی «فریگت جارت» پرواز کرده بودند، بدون هیچ هشدار در صدکیلومتری شمال شرقی بحرین و شبانه صورت گرفت. این حمله که با سخنرانی ریگان هم‌زمان بود، بحران خلیج فارس را تشدید کرد. در جریان این حمله که مدت آن بسیار کوتاه بود، از مجموع

۱. محمود یزدانفام، روزشمار جنگ ایران و عراق، اسکورت نفتکش‌ها، تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۱۵.
۲. همان، ص ۷۲۵.



تهدید نظامی

آمریکای غلط غنی‌تر کند

همچنین کشتی «ایران اجر» ما را قلدرانه در دریا توقیف کردند. اینها بر خوردهای عملی آمریکا، آن هم در آن موقعیت حساس بود. زمان ریاست جمهوری، بنده به سازمان ملل رفتیم و در مجمع عمومی سخنرانی بسیار پرشوری کردم؛ چند کانال تلویزیونی اروپایی هم مستقیم این سخنرانی را پخش کردند. چون ممکن بود این سخنرانی تأثیرات زیادی بگذارد، در همان روز یا فردای روز سخنرانی، کشتی «ایران اجر» را در خلیج فارس توقیف کردند! در نیویورک بودیم و هر کانال تلویزیونی را می‌گرفتیم، ماجرای کشتی «ایران اجر» و اقدام به مین‌گذارش در خلیج فارس، تمام فضای تبلیغاتی آمریکا و بلکه دنیا را پر کرده بود. این کار برای این بود که آن سخنرانی را تحت‌الشعاع قرار دهند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲





حمله به قایق‌های گشتی سپاه

یک روز پس از حمله نیروهای آمریکایی به قایق‌های گشتی سپاه در آب‌های خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران، اقدام آمریکا در حمله به قایق‌های ایران را تجاوزی آشکار به حق حاکمیت جمهوری اسلامی و نقض قوانین بین‌المللی خواند و هشدار داد که این اقدامات منجر به آشوب‌کشیدن کل منطقه شده و آمادگی مردم ایران برای مقابله با تجاوز بیگانگان را فراهم می‌سازد. سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در این باره تأکید کرد: «این حمله تردیدی باقی نمی‌گذارد که آمریکا با تجاوز به جمهوری اسلامی ایران قصد به‌آتش‌کشیدن منطقه را دارد و شهادت مظلومانه رزمندگان ما نشان می‌دهد که آمریکا طبل‌های جنگ را نواخته است» [۲].

آمریکایی‌ها پس از مشاهده عزم و قاطعیت ایران در برخورد با این قضیه، در توجیه این رفتار وحشیانه و در ادامه تطهیر چهره پلید خود، اقدام هلی‌کوپترهای آمریکایی را رفتاری خودسرانه اعلام کردند و وزیر دفاع آمریکا، «وایتبرگر» اظهار داشت: «هلی‌کوپترهای آمریکایی بدون کسب اجازه از مرکز فرماندهی درگیری را شروع کرده‌اند و هیچ نوع مکالمه رادیویی بین هلی‌کوپترها و قایق‌های ایرانی نبوده است» [۲].

۲. مهدی انصاری و محمود بزدانفام، روزنامه‌نگار جنگ ایران و عراق، جنگ معذب‌دوران ایران و آمریکا در خلیج فارس، تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۱۲.

۳. همان، ص ۲۹۲.

پس از گذشت ۱۷ روز از تجاوز دریایی نیروهای آمریکایی به حاکمیت ایران در منطقه خلیج فارس و حمله به کشتی تدارکاتی ایران اچر، بار دیگر هلی‌کوپترهای آمریکایی در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در ۱۸ مایلی جزیره فارسی، شبانه با نزدیک شدن به ۲۰۰ متری قایق‌های نظامی ایران که مشغول گشت‌زنی در اطراف جزیره فارسی بودند، بدون هیچ دلیلی به‌روی ۳ قایق ایرانی آتش گشودند که در جریان پاسخ‌گویی رزمندگان اسلام، یک فروند هلی‌کوپتر آمریکایی هدف آتش موشک استینگر قرار گرفت و با انفجار مهیب در خلیج فارس سقوط کرد. در جریان این درگیری وسیع ۵ فروند هلی‌کوپتر به همراه چند ناوچه آمریکایی نیز به کمک آن‌ها شناختند که با آتش نیروهای ایرانی روبه‌رو شدند و یک ناوچه آمریکا نیز هدف موشک‌های سبک رزمندگان قرار گرفته و آسیب دید. در ادامه این درگیری نابرابر ۳ فروند قایق گشتی سپاه توسط هلی‌کوپترهای آمریکایی مورد هدف قرار گرفته و به آتش کشیده شد و آمریکایی‌ها مدت یک ساعت و نیم وحشیانه به افرادی که در داخل دریا شناور بودند تیراندازی کردند و ۵ نفر از نیروهای ایرانی از جمله نادر مهدوی، فرمانده یکی از بهترین گروه‌های دریایی سپاه و معاونش، بیژن گرد را به شهادت رسانده و ۶ نفر را مجروح و اسیر کردند که در جریان اسارت، ۲ نفر دیگر نیز به شهادت رسیدند [۱].

۱- جعفر شیری‌نیا، موج سرخ، تهران: فاتحان، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷.



تهدید نظامی

آمریکایی‌ها غلط نیست‌اند



امثال نادر مهدوی و آنهايي که همراه او بودند، آن کسانی که آن کارهای بزرگ را انجام دادند، برق چشم گرفتند از دشمن؛ آبرو دادند به ملت ایران و قدرت نظام اسلامی را و جمهوری اسلامی را به رخ دشمن کشیدند؛ اینها باید یادشان زنده بماند. اینها باید در تاریخ مکتوب و تاریخ شفاهی نامشان و یادشان برجسته شود؛ همچنان که دشمنی‌های دشمنان هم بایستی شناخته بشود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۹۴/۰۷/۱۵



حمله به سکوهای نفتی ایران

یک هفته پس از حمله آمریکا به قایق‌های گشتی سپاه در خلیج فارس، یک نفتکش غول‌پیکر آمریکایی با نام «سانگاری» در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۶۶ در پایانه نفتی «الاحمدی» کویت مورد اصابت یک موشک قرار گرفت و روز بعد نیز یک نفتکش کویتی با نام «سی ایل سیتی» که با پرچم آمریکا در بندر الاحمدی پهلو گرفته بود، در نتیجه اصابت موشک به شدت آسیب دید.^[۱]

آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران در خطبه‌های نماز جمعه با تشریح مواضع ایران در قبال مسائل منطقه گفت: «امروز نیز یک کشتی نفتکش که پرچم آمریکا را داشت و تحت حمایت این کشور بود، مورد اصابت یک موشک قرار گرفت که خدای داند از کجا آمده است. ما اعلام کرده‌ایم که نباید به کشتی‌های متعلق به ایران حمله شود ولی کشتی‌های دیگران سالم بماند و این خاصیت تشنج و گسترش آن در منطقه است.»^[۲]

پس از حمله به نفتکش‌های آمریکایی بار دیگر ضعف آمریکا در منطقه نمایان شد، مفسر رادیو بی‌بی‌سی این حمله را نشانه‌ای از محدودیت دامنه عملیات حفاظتی نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس دانست و گفت: «این حمله نگرانی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را از توان محافظت آمریکا افزایش داده است.»^[۳] آمریکایی‌ها چند روز پس از این شکست مقتضاجانه، سکوی نفتی «رشادت» را در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۶۶

۱. محمود طلوعی، بازی قدرت، جنگ نفت در خاورمیانه، تهران: علم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴.
 ۲. مهدی انصاری و محمود پردازنام، روزنامه جنگ ایران و عراق، جنگ محدود ایران و آمریکا در خلیج فارس، تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۲۹.
 ۳. همان، ص ۴۱۳.

۴. همان، ص ۴۷۲.
 ۵. همان، ص ۵۴۱.

و در خلیج فارس به وسیله ۴ ناو جنگی و حمایت ناوشکن تاج و دو هواپیمای اف ۱۶ به توپ بستند که سکوی نفتی ایران در نتیجه این حمله تقریباً منهدم شد.
 رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در توجیه این حمله طی بیانیه‌ای گفت: «این سکوها برای کمک به حملات متعدد علیه کشتی‌های تجاری ملت‌هایی که در جنگ ایران و عراق درگیر نیستند مورد استفاده قرار گرفته است... اقدام علیه سکوهای نظامی ایران پس از مشورت با رهبران کنگره و کشورهای دوست صورت گرفت.»^[۴]

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ حمله آمریکا به سکوهای نفتی رشادت اعلام کرد که این ضربه را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت و در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۶۶ پایانه برون‌ساحلی بندر الاحمدی کویت که جولانگاه نفتکش‌های آمریکایی بود را توسط موشک کرم ابریشم مورد هدف قرار داده و به آتش کشید. اصابت این موشک باعث افزایش قیمت نفت و طلا و کاهش ارزش سهام بورس نیویورک و فرانکفورد در بازارهای جهانی شد. مقام‌های آمریکایی پس از این حادثه سراسیمه اعلام کردند: «با وجودی که دولت ریگان از حمله اخیر نگران است ولی قصد هیچ‌گونه اقدام تلافی‌جویانه را ندارد.»

رئیس‌مجلس شورای اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه در تبیین این حمله اعلام کرد: «تا زمانی که آمریکا وارد منطقه نشده بود این‌ها [شیوخ منطقه] مشکلی نداشتند. حادثه‌ای که برای کویت پیش آمد در صورت عدم حضور آمریکا رخ نمی‌داد و این نشان می‌دهد که آمریکا این‌ها را دچار مشکل کرده است.»^[۵]



تهدید نظامی

تهدید نظامی

حمله به سکوهای نفتی و امثال این اقدامات، نوع دیگر تقابل عملی آمریکا بود. در طول این سالها، بیشتر تکیه روی تقابل عملی بود؛ اقدام سیاسی و اقتصادی یا نیمه‌نظامی و حتی نظامی. آمریکا بعد از این که سالهایی را در مقابل جمهوری اسلامی و ملت ایران با این روش عمل کرد، به این نتیجه رسید که تقابل عملی کافی نیست و باید در کنار آن، تقابل و تخاصم و مبارزه نظری را هم شروع کند.

حمله به سکوهای نفتی و امثال این اقدامات، نوع دیگر تقابل عملی آمریکا بود. در طول این سالها، بیشتر تکیه روی تقابل عملی بود؛ اقدام سیاسی و اقتصادی یا نیمه‌نظامی و حتی نظامی. آمریکا بعد از این که سالهایی را در مقابل جمهوری اسلامی و ملت ایران با این روش عمل کرد، به این نتیجه رسید که تقابل عملی کافی نیست و باید در کنار آن، تقابل و تخاصم و مبارزه نظری را هم شروع کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲



حمله به ناوهای جنگی ایران

رژیم بعث عراق در روزهای پایانی جنگ، کاملاً در موضع ضعف قرار داشت و آمریکا به هر روشی می‌خواست عراق را از این معرکه نجات دهد. به همین دلیل آمریکا با حمله به سکوهای نفتی ایران مرحله جدیدی از جنگ در میدان دریایی را آغاز کرد. این جنگ نابرابر زمانی اتفاق افتاد که دولت آمریکا از یک سو سعی می‌کرد ایران را به اجرای قطعنامه ۵۹۸ ملزم سازد و از سوی دیگر با حمایت از عراق و حمله به سکوهای نفتی ایران، بند ۵ قطعنامه را نقض کرد که در آن از کلیه کشورها خواسته بود حداکثر خویشتن‌داری را به عمل آورند و از هر اقدامی که ممکن است منجر به تشدید و گسترش بیشتر مخاصمه شود، خودداری کنند.^[۱]

پس از آغاز جنگ نفتکش‌ها توسط رژیم صدام و شعله‌ور کردن آن به دست آمریکا، ناو جنگی ساموئل رابرتس آمریکا که یک نفتکش کویتی را همراهی می‌کرد در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ بر اثر اصابت به مین، به سختی آسیب دید. دولت آمریکا طبق معمول ایران را متهم به مین‌گذاری کرد و افزود که مین‌ها ساخت ایران است، به همین منظور ریگان تصمیم به انتقام‌جویی گرفت و در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ سه ناو جنگی آمریکا، سکوهای سلمان و نصر در خلیج فارس را محاصره کرد، به سویی آن آتش گشوده و آن را منهدم ساختند. در اثر این حملات، تولیدات نفت فلات قاره ایران تا میزان پنجاه هزار بشکه در روز کاهش یافت. همچنین آمریکایی‌ها در حوالی همان سکوهای نفتی به ناوچه جوشن ایران حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. بعد از ظهر همان روز هواپیماهای

۱. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۱.
 ۲. حمید میمادی، چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰.
 ۳. مارتین اس. ناویاس، جنگ نفتکش‌ها، ترجمه پژمان پورجباری، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۲، ص ۲۲۶.
 ۴. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۲.



تهدید نظامی

آمریکایی‌ها غلط نیست‌اند

حقیقتاً سردمداران **سلطه جهانی** که همه دنیا و منافع آن را برای خود مباح میدانند، احساس میکنند در درس بزرگی افتاده‌اند. نمونه‌ای که همه دنیا را مال خودشان میدانند، همین چیزی است که ملاحظه میکنید. **امریکاییها** میگویند ما **ناوگان** خود را به **خلیج فارس** آوردیم، چون منافع ما در آن جاست! **سلطه و استکبار جهانی**، خود را محتاج این نمیبیند که از روشهای متداول و قانونی و متعارف کسب منفعت استفاده کند. همه دنبال منافع خودشان هستند؛ منتها به دنبال منافع رفتن، راه دارد. انسان می‌رود چیزی میدهد و چیزی می‌گیرد؛ مذاکره‌ای میکند و امتیازی میدهد؛ اما اینها حاضر نیستند از این قوانین پیروی کنند؛ کشتی **جنگی** می‌فرستند!

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۰/۰۸/۱۲



انهدام هواپیمای مسافربری

یکی از کارهای وحشیانه آمریکا در اواخر جنگ تحمیلی، که بیانگر نقض حقوق بشر و بی‌توجهی آمریکا نسبت به قوانین بین‌المللی است، حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران (ایرباس ۳۰۰، پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر) بود. این هواپیمای مسافربری در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در پروازی معمولی از بندرعباس به مقصد دبی درحالی‌که هنوز سقف ارتفاع پرواز موردنظر را به دست نیاورده بود، در حرکت بود که ناگهان بر فراز آب‌های ایران و در حوالی جزیره «هنگام»، هدف دو فروند موشک قرار گرفته و منهدم شد. این موشک‌ها از ناوی آمریکایی مستقر در خلیج فارس، موسوم به «وینسنس» که خود نیز به آب‌های سرزمین ایران تجاوز کرده بود، شلیک شده بودند. در جریان این حمله غیرانسانی، تمامی ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه هواپیما که در بین آن‌ها ۱۷۸ زن و کودک از کشورهای ایران، هند، پاکستان، امارات، ایتالیا و یوگسلاوی حضور داشتند، به علت شدت انفجار همگی به شهادت رسیده و اجساد تکه‌پاره شده آن‌ها در لایه‌لای قطعه‌های هواپیما به دریا سقوط کرد. پس از این حادثه دل‌خراش، نیروی دریایی سپاه با عبور از میان ناوگان جنگی آمریکا که در حال همپایی یک نفت‌کش آمریکایی بود، ضمن به‌آتش کشیدن نفت‌کش، با حمله به ناوهای آلبرت مونتگمری و وینسنس، یک بالگرد آمریکایی را نیز توسط موشک استینگر مورد هدف قرار داد. [۱] با پایان یافتن درگیری‌ها مقام‌های آمریکایی ابتدا تا چند روز در واکنش به این اقدام، توجیه‌های بی‌پایه‌ای را عنوان کردند. ریگان، عوام‌فریبانه از این واقعه اظهار تأسف کرد، ولی از فرمانده ناو وینسنس دفاع کرده و اقدام او را عملی تدافعی نامید و به پاس این جنایت به او لقب «قهرمان» اعطا کرد.

۱. متحد صائبی، ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۷، ص ۳۰۸.

حمله به هواپیمای ایرانی باعث شد «ویلیام راجرز»، فرمانده ناو وینسنس در سطح جهان به‌عنوان فرمانده‌ای جنایتکار، مشهور شود. دختر او به دلیل اقدامی که مرتکب شده بود خودکشی کرد. سپس راجرز برای توجیه افکار عمومی توضیح داد که ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران به دستور مقامات ارشد ارتش آمریکا بود و او اراده‌ای در انجام این کار نداشت. او در مصاحبه دیگری گفت: «من مفتخر به دریافت نشان به پاس خدمات و زحماتم در طی سالیان گذشته شدم، اما واقعه سرنگونی ایرباس مسافری ایران در خلیج فارس، برای من لکه ننگی است که تا ابد پاک نخواهد شد». [۲]

پس از این واقعه مسئولین ایران درخواست صدور قطعنامه‌ای را به سازمان ملل ارائه کردند که در آن مسئولیت سرنگونی هواپیما را به دوش آمریکا نهاده بود و خروج ناوهای آمریکایی از منطقه را ضروری می‌کرد، اما پس از پیگیری‌های فراوان در نهایت سازمان ایکنو به صدور بیانیه‌ای بسنده کرد و در آن بیانیه ضمن ابراز تأسف عمیق و هم‌دردی و تأکید بر اصل عدم کاربرد زور علیه هواپیمای غیرنظامی، کاربرد سلاح علیه هواپیمای مسافربری را تقبیح کرد و هیئتی را مأمور رسیدگی به موضوع نمود. در قبال این فاجعه، سکوت و بی‌تفاوتی غالب مجامع بین‌المللی و سیاسی، خبر از توافقی محرمانه برای خاتمه دادن به جنگ می‌داد. چنین تصور می‌شد که این قضیه به مانند انداختن بمب اتم در ناکازاکی و هیروشیما برای خاتمه دادن به جنگ است. این حمله را می‌توان آخرین اقدام آمریکا در حمایت از عراق قلمداد کرد. [۳]

۲. خدیجه امیرخانی، شلیک کن، فراموش کن، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳.

۳. حمید معادلی، جانش‌های ایران و آمریکا بعد از نیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳.

تهدید نظامی

تهدید نظامی: ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم

در آخر جنگ، **هواپیمای مسافربری** ما را در آسمان خلیج فارس **افسر آمریکائی** با موشکی که از ناو جنگی شلیک کرد، ساقط کرد. قریب سیصد نفر مسافر در این هواپیما بودند، که همه‌شان کشته شدند. بعد به جای اینکه آن **افسر** توبیخ شود، رئیس جمهور وقت **آمریکا** به آن **افسر پاداش** و **مدال** داد. ملت ما اینها را فراموش کند؟ میتواند فراموش کند؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی ۱۳۸۸/۰۱/۰۱



عملیات فروغ جاویدان

تنها یک هفته پس از اقدام جمهوری اسلامی ایران در اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸، سیاستمداران ایالات متحده آمریکا به خیال اینکه ایران در موضع ضعف قرار دارد و نیروهای نظامی ایران دیگر توان مبارزه ندارند، بار دیگر طرح حمله نظامی را علیه ملت ایران برنامه‌ریزی کردند. آن‌ها با تحریک منافقین (سازمان مجاهدین خلق) و حمایت‌های لجستیک و اطلاعاتی عراق طرح مشترکی را برای هجوم از طریق شهر سرپل ذهاب به ایران راه‌اندازی کردند. منافقین این طرح را در نشست ۲۴ ساعته آماده کرده و در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۷ نام عملیات را فروغ جاویدان گذاشتند. سخنگوی سازمان منافقین برنامه سازمان را واردکردن هرچه‌بیشتر تلفات و بازکردن راه برای انقلاب عمومی ضد امام (امام خمینی ذکر کرد) پس از اطلاع مردم ایران از هجوم منافقین، نیروهای انقلابی سیل‌وار راهی غرب کشور شدند و به همراه یگان‌های سپاه پاسداران و بسیج، راه را بر منافقین در منطقه مرصاد بستند و از رویه‌رو و پهلو به آن‌ها حمله کردند و سازمان نظامی منافقین را منلاشی کردند. منافقین با آشکار شدن ناتوانی و برملا شدن آثار توهمات خود، با برجای گذاشتن کشته و اسیرهای زیاد، مجدداً به داخل خاک عراق فرار کردند. رادیو لندن طی تفسیری گفت: «هدف از این حمله هرچه باشد ظاهراً تأثیر مثبت و مطلوبی در داخل ایران نداشته است.» ۱۱ بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از هشت سال با عدم موفقیت در لشکرکشی مجدد به خاک ایران و شکست مفتضحانه منافقین و علی‌رغم حمایت‌های غرب و شرق در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ با برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق به پایان رسید.

داریوش گلبرگ، یکی از فرماندهان منافقین که در طی عملیات مرصاد در سال ۱۳۶۷ دستگیر شده بود درباره نقش آمریکا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴.

۱. محمد درودیان، آغاز تا پایان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷.

۲. کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کیا، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷.

۳. همان، ص ۲۷۸.

(سوره فجر آیه ۱۴)
**إِنَّ رَبَّكَ
 بِأَلْمَرِّصَادِ**

یادمان شش‌صدای مرصاد

تهدید نظامی

درمیان حمله غافلگیرکننده

از وقتی این تیپ تشکیل شد، در طول تقریباً دو سال و نیم، در بیست و پنج عملیات آفندی و پدافندی شرکت کردند؛ این ارزش یک مجموعه‌ی مردمی را نشان می‌دهد؛ قدرت اراده‌ها را نشان می‌دهد؛ صبر خانواده‌ها را نشان می‌دهد. همین تیپ قائم در **عملیات مرصاد** مهمترین نقش را ایفا کرد. شنیدیم که نقش تیپ قائم در **عملیات مرصاد** آنچنان بود که اگر نبود، دشمن ممکن بود تا **کرمانشاه** پیش بیاید. آن که ایستاد، تیپ قائم بود. اینها در تاریخ می‌ماند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۵/۰۸/۱۸



- تهدیدات نظامی
- حریم هوایی
- عملیات مرصاد
- هوایپیمای مسافربری
- ناوهای جنگی
- سکوهای نفتی
- قایق‌های گشتی
- ایران اجر
- جمعه خونین
- عملیات استناج
- تسلیمات شیمیایی
- حمایت همه جانبه
- تحریک صدام
- حادثه طیس



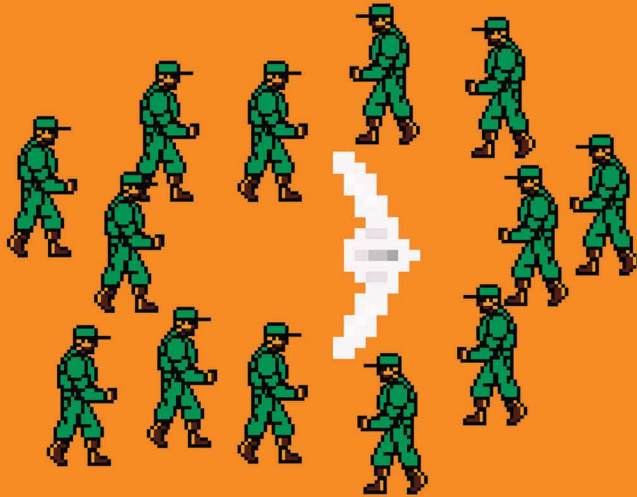
تجاوز به حریم هوایی ایران

دولت آمریکا در طول ۸ سال دفاع مقدس با ارسال اطلاعات محرمانه نظامی توسط هواپیماهای جاسوسی آواکس بیشترین خدمت را به رژیم صدام کرد. پس از جنگ تحمیلی، ایران با سرمایه‌گذاری روی سامانه‌های دفاعی از نفوذ کشورهای بیگانه به حریم ایران جلوگیری کرد و در موارد متعددی هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین آمریکایی که قصد نفوذ به حریم هوایی ایران داشتند را مورد هدف قرار داد. بر همین اساس ایران یکی از مهم‌ترین عملیات جاسوسی آمریکا که توسط پیشرفته‌ترین هواپیماهای جاسوسی مدل آرکیو-۱۷۰ انجام می‌شد را شناسایی و هدایت کرد. این هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۹۰ پس از تجاوز ۲۲۵ کیلومتری به حریم هوایی شرق ایران، توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بدون هیچ خسارتی با نفوذ در سامانه هدایتگر به زمین نشانده شد.

این پهباد به غنیمت‌گرفته شده ۲۶ متر عرض، ۴/۵ متر طول و ۱۸۴ سانتی‌متر ارتفاع دارد و با وزنی بیش از ۳ تن یا هر بار سوخت‌گیری تا ۱۵۰۰ کیلو متر پرواز می‌کند و دارای سامانه‌های پیشرفته جمع‌آوری اطلاعات در ابعاد الکترونیکی، تصویری و مخابراتی و سامانه‌های راداری مختلف است. آرکیو-۱۷۰ توانایی تصویربرداری با عدسی‌های پیشرفته، استراق‌سمع زیاد و امکان تشخیص مواد رادیواکتیو را نیز دارد. این هواپیما از جهت نوع ساخت و پوشش، رادارگریز طراحی شده و از حیث فناوری، آخرین نمونه پهباد پیشرفته آمریکا به شمار می‌رود. هدایت این هواپیما توسط ماهواره و ایستگاه‌های زمینی در افغانستان و آمریکا صورت می‌گرفته است.

امیدی به قبول درخواستش ندارد» [۱].
این شکست نظامی، دولت اوپاما را به شدت در نقطه ضعف قرار داد، به گونه‌ای که دیک چینی، طی اظهاراتی گفت: «اوپاما به جای درخواست کاری که ایران انجام نخواهد داد، بهتر بود برای نابود کردن پهباد اقدام می‌کرد»، جان تاینین، از سایت نشریه محافظه‌کار «امریکن اسکیلتور» نیز ضمن مسخره خواندن اقدام اوپاما، نوشت: «اوپاما بساط خنده خوبی برای سپاه فراهم کرده است» [۲].

۱. خبرگزاری فارس، www.farsnews.com، ۱۳۹۰، ۵ دی، کد خبر: ۱۳۹۰۱۰۰۴۰۰۰۲۱۷.
۲. خبرگزاری تسنیم، www.tasnimnews.com، ۲۵ آذر ۱۳۹۲، کد خبر: ۵۹۰۴۷۳.



GAME OVER!!

تهدید نظامی

دستاوردهای درخشان نیروی هوایی سپاه مایه تعجب نیست چرا که هر جا جوانان مومن و حزب الهی وارد میدان شوند، چنین کارهای شگفت آوری صورت خواهد گرفت و رمز پایداری انقلاب اسلامی در مقابل دشمنی بی پایان **استکبار** نیز، در همین حقیقت نهفته است. ایشان، اعتماد به نفس ملی، امید به آینده و باور به پیروزی در مقابل زورگویان جهانی را از جمله آثار حضور جوانان مومن و متعهد در عرصه‌های مختلف کشور خواندند و افزودند: نشانه‌های عمیق دانش، تخصص، ایمان و معرفت، در نیروی هوایی سپاه، کاملاً آشکار است و این روند مثبت باید ادامه یابد.

دستاوردهای درخشان نیروی هوایی سپاه مایه تعجب نیست چرا که هر جا جوانان مومن و حزب الهی وارد میدان شوند، چنین کارهای شگفت آوری صورت خواهد گرفت و رمز پایداری انقلاب اسلامی در مقابل دشمنی بی پایان **استکبار** نیز، در همین حقیقت نهفته است. ایشان، اعتماد به نفس ملی، امید به آینده و باور به پیروزی در مقابل زورگویان جهانی را از جمله آثار حضور جوانان مومن و متعهد در عرصه‌های مختلف کشور خواندند و افزودند: نشانه‌های عمیق دانش، تخصص، ایمان و معرفت، در نیروی هوایی سپاه، کاملاً آشکار است و این روند مثبت باید ادامه یابد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله العالی - ۱۳۸۲/۰۸/۳۰



- تهدیدات نظامی: حریم هوایی، عملیات مرصاد، ناوهای جنگی، هواپیمای مسافربری، سکوهای نفتی، قایق‌های گشتی، ایران اجر، جمعه خونین، تسلیحات شیمیایی، عملیات استانتاج، حمایت همه جانبه، تحریک صدام، حادثه طیس

تهدیدهای نظامی

تهدیدهای نظامی ایالات متحده آمریکا موضوعی است که از ابتدای انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. این تهدیدات توسط تمامی رؤسای جمهور آمریکا از کارتر تا بوش و اوباما صورت گرفته به گونه‌ای که امروزه برای ملت ایران مسئله بی‌ارزش و سخیفی تلقی می‌شود. در واقع آمریکایی‌ها همواره از این امر به عنوان وسیله‌ای برای تحمیل خواسته‌های خود به جامعه جهانی استفاده کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین بهانه‌های آمریکا برای تهدید ایران به حمله نظامی، مسئله دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای است. جمهوری اسلامی ایران همواره در همه عرصه‌ها اعلام کرده که از این فن‌آوری به دنبال مقاصد صلح بوده و استفاده نظامی از این صنعت را حرام می‌داند، اما باین حال دولت آمریکا از این مسئله استفاده سیاسی کرده و در مجامع بین‌المللی ایران را تحت فشار قرار داده و به حمله نظامی تهدید نموده است.

تهدیدهای نظامی ایالات متحده تنها به قبل از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ ختم نمی‌شود، بلکه پس از پایان مذاکرات و اثبات صلح‌آمیز بودن صنعت هسته‌ای ایران، رئیس‌جمهور آمریکا، در نامه‌ای خطاب به کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان، می‌گوید: «گزینه نظامی علیه ایران برای چندین سال روی میز خواهد بود» [۱]. اگرچه دولت‌مداران آمریکا در طول تاریخ، جنگ‌های زیادی را علیه کشورهای ضعیف به راه انداخته و مردم زیادی را به خاک

و خون کشیده و از خود متنفر کرده‌اند، اما قدرت غیرقابل تصور دفاعی و امنیتی ایران مانع از این امر شده است. آمریکایی‌ها به خوبی دریافته‌اند که دست‌زدن به هر نوع ماجراجویی، عواقب شدیدی را برای آن‌ها در پی خواهد داشت، به گونه‌ای که حدود و ثغور مشخص نخواهد بود.

آمریکایی‌ها با درک وقایع ۸ سال دفاع مقدس، توان تسلیحاتی ناشناخته ایران، وسعت سرزمینی و موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران در جهان، شرکای سیاسی و نفوذ ایران در مجامع بین‌المللی و نیز شناخت قدرت ایمانی نیروهای بسیج و رزمندگان اسلام در مبارزه با استبداد به این نتیجه رسیده‌اند که حمله نظامی به ایران غیرممکن است. آن‌ها از این رو به جنگ روانی روی آورده و ایران را تهدید به حمله نظامی کرده‌اند.

البته همواره این تهدیدهای آمریکا از سوی ایران بی‌پاسخ نمانده است، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب، با مواضعی مستحکم، مشتی بردهان این یاوه‌گویان نهاده‌اند: «می‌گویند اگر چنین نشود ممکن است ما حمله نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می‌کنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید می‌کردند - گفتم دوران بز و درو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم، این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد» [۲].

۲. www.khamenei.ir، ۱۶/۲/۱۳۹۴.

۱. پرس تی‌وی، www.prsstv.ir، ۲۱/۸/۲۰۱۵.

تهدید نظامی

آمریکای غلط نیست و ایران کتب

تا آنجایی که بتوانیم و با همه‌ی همتان، با همه‌ی تلاشمان، با همه‌ی استعداد نیروی انسانی‌مان که کم هم نیست، در راه افزایش قدرت بازدارندگی پیش خواهیم رفت و آن را به کار خواهیم گرفت، برای اینکه دشمن به فکر تعرض نیفتد و بداند که اگر چنانچه تعرض کرد، ضربه‌ی محکمی خواهد خورد، واکنش سختی خواهد دید. من مدتها قبل گفتم دوران «بزن و درو» به جمهوری اسلامی دیگر گذشته است؛ اینکه بیا بزن و درو، ادیگر [این جور] نیست؛ اگر زدند پایشان گیر می‌افتد؛ شروع ممکن است با آنها باشد اما تمام کردن دیگر با آنها نیست و در اختیار آنها نیست. این همان قدرتی است که دشمن از آن بیمناک است؛ این همان اقتداری است که دشمن مایل نیست که جمهوری اسلامی آن را داشته باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی - ۲۰/۲/۱۳۹۶



- تهدیدات نظامی: حادته طبس - حمایت همه جانبه - عملیات استانتاج - جمعه خونین - ایران اجر - قایق‌های گشتی - سکوهای نفتی - ناوهای جنگی - هواپیمای مسافربری - عملیات مرصاد - حریم هوایی



۸ سال دفاع مقدس
شکست صدام و همیمانانش در طول ۸ سال دفاع مقدس



بزرگترین ارتش خاورمیانه
تشکیل ارتشی قدرتمند با حضور سپاه، بسیج، ارتش و...



گسترش صنایع موشکی
جزه هشت کشور تولید کننده موشک هایی بلندبرد و بالستیک



تولید زیردریایی
جزه ده کشور تولید کننده زیردریایی در جهان می باشد.



طراحی و ساخت ناوشکن
سیزدهمین کشور با توان طراحی و ساخت انواع ناوشکن های پیشرفته

در مسیر اقتدار و امنیت آمریکاه هیچ غلطی نمی تواند بکند



ساخت رادار
ساخت انواع رادارهای پیشرفته در سایت های مجهز



تولید پهپادهای فوق پیشرفته
دومین کشور دارای فناوری تولید پهپادهای رادارگریز در جهان



تولید خودروهای زرهی
ساخت انواع خودروهای زرهی، نفربرها، تانک ها



کنترل مرزهای جغرافیایی
دستگیری تفنگداران آمریکایی و انگلیسی متجاوز به آبهای ایران



ساخت قایق های تندرو
ساخت کشتی های نظامی، قایق های تندرو پرنده

آمریکاه هیچ غلطی نمیتواند بکند



بحمدالله کشور امروز یک سپر امنیتی محکمی دارد. خب شما نگاه کنید، دُوروبر ما ببینید چه خبر است. شرق ما افغانستان است و آن حوادث و پاکستان و اینها، غرب ما این کشورهای همسایه ی عربی و عراق و سوریه و یمن و این حوادثی که در این منطقه ی غرب آسیا در جریان است و حوادثی که پیرامون ما در لیبی و مثلاً مصر و بقیه ی جاها هست، وقتی انسان اینها را نگاه میکند، میفهمد که چه قدر نعمت بزرگی است این امنیتی که امروز ما بحمدالله داریم. این سپر امنیتی، خوشبختانه کشور را فرا گرفته که از این آسیب های امنیتی محفوظ است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای مد ظله العالی ۱۳۹۵/۰۶/۰۳



- تهدیدات نظامی
- حریم هوایی
- عملیات مرصاد
- هواپیمای مسافربری
- ناوهای جنگی
- سکوهای نفتی
- قایق های گشتی
- ایران اجر
- جمعه خونین
- عملیات استانج
- تسلیمات شیمیایی
- حمایت همه جانبه
- تحریک صدام
- حادثه طبس